



وزارت معارف

معینیت تضمین کیفیت

ریاست امتحانات معیاری و ارزیابی نتایج تعلیمی

گزارش ارزیابی سطح یادگیری زبان شاگردان صنف نهم ۹ ولایت
سردسیر در سال تعلیمی ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۱. معلومات کلی ارزیابی ۱
۲. خلاصه اجرایی ۲
۳. مقدمه ۳
۴. اهداف ارزیابی ۳
۵. چارچوب و معیارهای ارزیابی ۳
۶. روش تطبیق ۸
- ۶.۱. جامعه آماری و نمونه‌گیری ۸
- ۶.۲. ابزارهای ارزیابی ۸
- ۶.۳. اعتبار و ثبات ۹
۷. تحلیل معلومات ۹
۸. تحلیل و تفسیر نتایج ۲۳
۹. ضمایم ۳۰

فهرست جداول

- جدول (۱) معلومات کلی ارزیابی ۱
- جدول (۲) سطوح شناختی و تعاریف آن در مضمون زبان ۸
- جدول (۳) وضعیت عمومی نمرات شاگردان در ارزیابی زبان صنف نهم ۱۰
- جدول (۴) چگونگی توزیع نمرات زبان و عملکرد شاگردان ۱۱
- جدول (۵) تحلیل سطوح شناختی شاگردان در مضمون زبان صنف نهم ۱۲
- جدول (۶) درجه تحصیل معلم زبان بر اساس ولایت ۱۳
- جدول (۷) رشته تحصیل معلم زبان صنف نهم به تفکیک ولایت ۱۴
- جدول (۸) تجربه تدریس معلمان ۱۶
- جدول (۹) تجربه تدریس معلمان براساس ولایت ۱۶
- جدول (۱۰) میزان تأثیر عوامل تدریسی و مدیریتی بر یادگیری از نظر معلمان ۱۷
- جدول (۱۱) تأثیر مشکلات عمده مکاتب بر یادگیری ۲۰
- جدول (۱۲) تأثیر روش های تدریس معلم بر یادگیری ۲۱
- جدول (۱۳) دلایل یا عوامل احتمالی پایین بودن سطح یادگیری بین ولایات ۲۱
- جدول (۱۴) سطح عملکرد زبان شاگردان ۲۳
- جدول (۱۵) اوسط پاسخ های صحیح به تفکیک موضوعات درس زبان صنف نهم ۲۴
- جدول (۱۶) اوسط نمرات زبان شاگردان براساس ولایت ۲۵
- جدول (۱۷) مقایسه بین مکاتب امارتی و خصوصی ۲۵
- جدول (۱۸) نمره سطوح شناختی شاگردان ۲۶

فهرست شکل ها

شکل (۱) منحنی توزیع نمرات زبان صنف نهم شاگردان در ۹ ولایت سردسیر ۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

۱. معلومات کلی ارزیابی

جدول (۱) معلومات کلی ارزیابی

معلومات عمومی	
موضوع	ارزیابی سطح یادگیری زبان شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر در سال تحصیلی ۱۴۰۴
ساحه تطبیق (ولایت /ولسوالی/حوزه تعلیمی /مکتب)	شهر کابل، ولایت کابل، پنجشیر، بغلان، سمنگان، بلخ، هرات، غزنی و بامیان
سال تطبیق	ماه عقرب ۱۴۰۴
مدت زمان تطبیق	۱۷ روز
صنف	صنف نهم
مضمون	زبان
اندازه جمعیت آماری، تعداد و مشخصات نمونه های مشاهده شده	جامعه آماری این ارزیابی تمامی شاگردان صنف نهم در ۹ ولایت سردسیر می باشد. براساس احصائیه سال تحصیلی ۱۴۰۴ تعداد شاگردان حاضر صنف نهم در این ۹ ولایت ۲۹۱۰۷۹ تن می باشد. از میان جامعه آماری تعداد ۳۵۲۸ تن شاگرد صنف نهم بعنوان نمونه تعیین گردید. در هر ولایت، (۲) ولسوالی با مرکز ولایت بصورت تصادفی انتخاب گردید و در هر ولسوالی، (حدافل ۴) باب مکتب و در هر مکتب، (۲۲) تن شاگرد در این ارزیابی شامل گردیدند. بیشترین شاگردان از ولایت بلخ (۱۵٪) و کمترین شاگردان از ولایت های پنجشیر و سمنگان (۶٪) بوده اند.
ابزارهای جمع آوری معلومات	ابزارهای مورد استفاده در این ارزیابی عبارت بودند از: سوالنامه ارزیابی زبان، پرسشنامه های نظرخواهی و مصاحبه انفرادی با شاگرد، معلم و مدیر مکتب.
شیوه یا روش تطبیق	
اجرای ارزیابی زبان صنف نهم توسط تیم ارزیابی	ارزیابی زبان صنف نهم در قالب سوالنامه چاپی در گروه (الف و ب) تهیه و به شاگردان در صنف توزیع گردید. سوال نامه ها مجموعاً ۱۵ سوال داشت و از انواع مختلف سئوالات (چند گزینه ای، صحیح و غلط، وصل کردنی، خانه خالی و تشریحی) استفاده شده بود. برای هر سوال وقت و نمره مشخص تعیین گردیده بود و در مجموع (۹۰) دقیقه وقت برای حل سئوالات ارزیابی به شاگردان داده شد. ارزیابی مستقیماً توسط هیأت ارزیابی ریاست امتحانات معیاری در صنف درسی مکتب مربوطه از شاگردان اخذ و تمامی پارچه های ارزیابی بصورت شفاف و دقیق جمع آوری گردید.
نظرخواهی از مسئولین مکتب	به هدف جمع آوری معلومات بیشتر در مورد مشکلات موجود در مکتب، عوامل مؤثر بر یادگیری و راه های بهبود کیفیت تدریس و یادگیری از طریق پرسشنامه و مصاحبه از (۱۱۷) تن معلم زبان و (۱۸۷) تن مدیر مکتب نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در گزارش تحلیل و ارایه گردیده است. همچنین، بخاطر سنجش میزان علاقه شاگردان به مضمون زبان و کسب معلومات در مورد جریان تدریس و یادگیری این مضمون به (۳۷۴) تن شاگرد، پرسشنامه توزیع و با آنها مصاحبه صورت گرفت.

۲. خلاصه اجرایی

ارزیابی سطح یادگیری زبان شاگردان صنف نهم به هدف سنجش میزان «درک مفاهیم اساسی، توانایی کاربرد آن در حل مسائل، مهارت‌های تجزیه و تحلیل و ترکیب» با استفاده از یک ارزیابی واحد در ۹ ولایت سردسیر انجام شد تا بتواند تصویر واقعی از وضعیت یادگیری شاگردان ارائه نماید.

ارزیابی زبان بعنوان ابزار اصلی ارزیابی بخاطر سنجش اعتبار و پایایی در ۵ باب مکاتب شهر کابل و بر روی (۱۲۰) تن شاگرد صنف نهم طور آزمایشی تطبیق و نهایی گردید. ۳۵۲۸ تن شاگردان صنوف نهم بعنوان نمونه نهایی در (۷۲) مکتب و (۱۸) ولسوالی در ۹ ولایت سردسیر طور تصادفی انتخاب گردید و از آنها ارزیابی بعمل آمد. براساس تحلیل های کمی، اوسط عمومی نمرات زبان شاگردان در سطح ۹ ولایت سردسیر، ۴۱ از ۱۰۰ بدست آمد که در سطح نسبتاً پایین قرار دارد. انحراف معیار (۱۷.۹) نشان از پراکندگی و ناهمگونی بسیار زیاد بین نمرات شاگردان و عدم توازن در یادگیری در بین ولایات می باشد که ممکن است ناشی از عوامل و دلایل مختلف باشد.

بطور کلی، یافته های این ارزیابی نشان میدهد که سطح کلی یادگیری شاگردان در مضمون زبان رضایت بخش نبوده و در بین ولایات تفاوت معنادار مشاهده می شود. همچنین، در جریان پروسه، در مورد عوامل مؤثر بر یادگیری از مسئولین مکاتب و شاگردان نظرخواهی صورت گرفت. تحلیل ها نشان میدهد که ۹۰٪ معلمان دارای درجه تحصیل لیسانس و چهارده پاس بوده اند؛ ۷۳٪ معلمان مطابق رشته تدریس می نمایند؛ ۷۳٪ معلمان حداقل ۶ و حداکثر ۲۰ سال تجربه تدریس دارند؛ اما با وجود فیصدی بالا این شاخص ها که در کیفیت یادگیری مؤثر اند، اوسط مجموعی نمرات شاگردان پایین تر از سطح مطلوب بوده است. در نتیجه، این سؤال مطرح می شود که کدام عوامل باعث شده اند، نمرات شاگردان در این مضمون پایین تر از سطح مطلوب قرار گیرد؟

به هدف یافتن پاسخ احتمالی به سؤال فوق، سایر عوامل مؤثر بر یادگیری مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل عوامل مرتبط به تدریس و مدیریت نشان میدهد که از نظر معلمان، همکاری مدیر با معلمان با ۸۲٪ بعنوان یک عامل بر یادگیری تأثیر دارد. بعد از آن، درک معلم از اهداف نصاب با ۷۷٪، و موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی با ۷۴٪ از نظر معلمان بالاترین تأثیر را بر یادگیری دارند.

نظرخواهی از مسئولین مکاتب و شاگردان در مورد مشکلات عمده در مکاتب و تأثیر آن بر یادگیری نشان میدهد که از نظر ۳۸٪ معلمان، مشکل «موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف» در حد بسیار زیاد در مکاتب وجود دارد، از نظر ۲۸٪ معلمان در حد متوسط وجود دارد و از نظر ۳۲٪ دیگر، هیچ وجود ندارد. در مجموع، دو سوم معلمان به نوعی از ازدحام زیاد شاگردان در صنف شکایت دارند که این امر می تواند باعث کاهش توجه فردی به شاگردان، پایین آمدن کیفیت تدریس و دشواری در مدیریت صنف گردد.

همچنین، مشکل «زیاد بودن ساعات درسی معلمان»، از نظر ۳۷٪ معلمان به عنوان یک مشکل بسیار زیاد و از نظر ۲۷٪ تا حدی مشکل ارزیابی شده است. این یافته نشان می دهد که فشار کاری بالا بر معلمان می تواند سبب خستگی شغلی، کاهش انگیزه و در نهایت پایین آمدن کیفیت تدریس و یادگیری شود. به طور کلی، ازدحام شاگردان در صنوف و فشار کاری زیاد معلمان از جدی ترین مشکلات مکاتب ارزیابی شده به شمار می روند. در حالی که وضعیت ساختمان مکاتب نیز در سطح متوسط یک چالش همیشگی محسوب می شود. رسیدگی هدفمند به این مشکلات می تواند نقش مهم در بهبود محیط تعلیمی و ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری ایفا نماید.

علاوه بر این، در جریان نظرخواهی از معلمان، معلوم گردید که ۳۵٪ معلمان از روش سخنرانی؛ ۳۲٪ از روش شاگرد محوری و ۱۳٪ از روش سوال و جواب و ۲۰٪ از ترکیب این روش ها در تدریس مضمون زبان استفاده می کنند. این در حالی است که در تدریس مضمون زبان بهتر است از ترکیب هر سه روش استفاده شود تا پروسه تدریس و یادگیری از مؤثریت و کیفیت بهتر برخوردار شود.

۳. مقدمه

ارزیابی و سنجش یادگیری از اساسی ترین ابزارهای تضمین کیفیت در نظام های تعلیمی محسوب می شود. در دوره متوسطه، به ویژه صنف نهم، این موضوع اهمیت ویژه دارد؛ زیرا این صنف مرحله انتقال شاگردان از دوره متوسطه به دوره لیسه را شکل می دهد و میزان آمادگی علمی شاگردان برای سطوح بالاتر را مشخص می سازد.

صنف نهم نقش بنیادی در تثبیت و تعمیق مهارت های اساسی شاگردان دارد. هرگونه ضعف در این مرحله می تواند زمینه ساز مشکلات پایدار یادگیری در دوره های بعدی گردد. با توجه به مشکلات مختلفی که نظام تعلیمی با آن روبروست، بدون شک، ضعف های زیاد در تدریس و یادگیری در این دوره وجود دارد که شناسایی آنها بدون انجام ارزیابی های منظم و دقیق از کیفیت تدریس و یادگیری امکان پذیر نیست. بنابراین، آنچه می تواند به وزارت معارف در شناسایی مشکلات یادگیری و یافتن راه حل های مؤثر و مناسب کمک کند؛ انجام ارزیابی های منظم از کیفیت تدریس و یادگیری در صنوف، دوره ها و مضامینی است که اساس و پایه یادگیری عمیق تر در دوره های بالاتر محسوب می شوند.

ارزیابی های تعلیمی می تواند معلومات معتبر برای اصلاح برنامه های درسی، بهبود روش های تدریس، ارتقای ظرفیت معلمان و طراحی برنامه های مؤثر تعلیمی فراهم سازد. بر همین اساس، ریاست امتحانات معیاری و ارزیابی نتایج تعلیمی وزارت معارف در سال ۱۴۰۴، پروسه ارزیابی سطح یادگیری زبان شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر را راه اندازی نموده که گزارش تفصیلی آن ذیلاً ارایه می گردد.

۴. اهداف ارزیابی

هدف کلی این ارزیابی عبارت است از تعیین سطح یادگیری زبان شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر.

اهداف اختصاصی این ارزیابی قرار ذیل اند:

- سنجش میزان تحقق اهداف تعلیمی مضمون زبان صنف نهم مطابق نصاب تعلیمی.
- تعیین سطح کلی درک، مهارت و توانایی عملی شاگردان در مضمون زبان.
- شناسایی نقاط قوت و ضعف یادگیری شاگردان در حوزه های مختلف مضمون زبان
- مقایسه سطح یادگیری شاگردان در مضمون زبان میان ولایات و میان مکاتب امارتی و خصوصی.

۵. چارچوب و معیارهای ارزیابی

ارزیابی یادگیری شاگردان، یکی از اساسی ترین ابزارها برای سنجش کیفیت و میزان تحقق اهداف تعلیمی به شمار می رود. در این میان، مضمون زبان نقش بسیار اساسی در رشد یادگیری شاگردان دارد؛ زیرا زبان وسیله اصلی فهم، ارتباط، تفکر و انتقال دانش در تمام مضامین درسی است. نقش این مضمون را می توان در چند بُعد مهم توضیح داد:

- نقش زبان در تقویت مهارت های اساسی یادگیری، زبان باعث رشد مهارت اساسی مانند خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن می شود. این مهارت ها، اساس یادگیری سایر مضامین به شمار می روند.
- نقش زبان در رشد توانایی درک و فهم مطالب درسی، شاگردانی که مهارت های زبانی قوی دارند، می توانند متون درسی را بهتر بخوانند، مفهوم آن را درک کنند و اطلاعات جدید را تحلیل نمایند. بنابراین، زبان وسیله اصلی فهم دانش است.
- نقش زبان در تقویت تفکر و استدلال، زبان به شاگردان کمک می کند تا افکار خود را منظم کرده، تحلیل کنند و دیدگاه های خود را بیان نمایند. به همین دلیل زبان در رشد مهارت تفکر انتقادی و خلاق نقش مهمی دارد.
- نقش زبان در بهبود توانایی ارتباط و تعامل اجتماعی، شاگردان به وسیله زبان می توانند افکار، احساسات و دیدگاه های خود را بصورت درست و مؤثر با دیگران شریک سازند و مهارت ارتباطی و اجتماعی خود را تقویت نمایند.
- نقش زبان در یادگیری موفقانه سایر مضامین درسی، درک درست زبان باعث می شود، شاگردان بتوانند سوال های ارزیابی، رهنمایی ها و مطالب درسی سایر مضامین را بهتر بفهمند و در نتیجه بهتر یاد بگیرند؛ بنابراین زبان نقش کلیدی در موفقیت عمومی شاگردان دارد.
- نقش زبان در رشد فرهنگی و اخلاقی شاگردان، متون ادبی، علمی، دینی و تربیتی در مضمون زبان باعث آشنایی شاگردان با فرهنگ، ارزش ها و مفاهیم اخلاقی جامعه می شود و در شکل گیری شخصیت آنان نقش دارد.

صنف نهم به عنوان آخرین مرحله دوره متوسطه، جایگاه ویژه در تثبیت و تعمیق یادگیری مفاهیم پایه زبان و آماده ساختن شاگردان برای ورود به دوره لیسه دارد. براین اساس، تدوین یک چارچوب نظری منسجم و معیارهای شفاف برای ارزیابی یادگیری زبان صنف نهم، یک ضرورت علمی و آموزشی محسوب می شود.

اکنون با توجه به این ضرورت، چارچوب نظری و معیارهای ارزیابی مضمون زبان صنف نهم در این بخش طور خلاصه توضیح داده می شود. این چارچوب مسیر تحلیل نتایج را مشخص و زمینه اصلاح ارزیابی های بعدی و در نتیجه بهبود کیفیت ارزیابی ها را فراهم می سازد.

۵،۱ چارچوب نظری ارزیابی مضمون زبان

این ارزیابی بر اساس نظریه های سنجش آموزشی استوار بوده و ارزیابی به عنوان یک فرآیند نظام مند گردآوری، تحلیل و تفسیر معلومات تعریف می شود که میزان تحقق اهداف تعلیمی را مشخص می سازد.

۵.۱.۱ مبانی نظری:

مبانی نظری این ارزیابی، بر اساس نظریه های تعلیم و تربیه، سنجش آموزشی و اهداف نصاب تعلیمی شکل می گیرد. هدف این مبانی آن است که ارزیابی به گونه ای طراحی شود که مهارت های واقعی زبانی شاگردان را اندازه گیری کند و با اهداف نصاب درسی هماهنگ باشد. در ادامه مهم ترین مبانی نظری و سپس معیارهای ارزیابی توضیح داده می شود.

۱. مطابقت^۱ ارزیابی با نصاب تعلیمی

یکی از اصول اساسی در ارزیابی این است که ارزیابی و ابزارهای سنجش باید با اهداف نصاب، محتوا و فعالیت‌های آموزشی همسو باشند. یعنی آنچه در صنف تدریس می‌شود، همان باید ارزیابی گردد.

در مضمون زبان صنف نهم، ارزیابی باید میزان دستیابی شاگردان به اهداف ذیل را اندازه‌گیری کند^۲:

- درک مطلب
- خواندن درست متن
- نوشتن جملات و پاراگراف
- بیان شفاهی

۲. نظریه سطوح شناختی بلوم

طبق نظریه بلوم^۳، یادگیری در سطوح مختلف شناختی اتفاق می‌افتد و ارزیابی باید این سطوح را بسنجد.

مهم‌ترین سطوحی که در زبان صنف نهم باید ارزیابی شوند:

۱. دانش – (Knowledge) شناخت لغات و قواعد زبان
۲. درک – (Comprehension) فهمیدن مفهوم متن
۳. کاربرد – (Application) استفاده از قواعد در نوشتن و صحبت کردن
۴. تحلیل – (Analysis) تشخیص مفهوم و پیام متن

این سطوح کمک می‌کند که ارزیابی فقط حفظیات را نسنجیده بلکه درک و کاربرد زبان را نیز بررسی کند.

۳. نظریه مهارت‌های ارتباطی زبان

در آموزش زبان، هدف اصلی توانایی برقراری ارتباط مؤثر^۴ است. بنابراین ارزیابی باید مهارت‌های مختلف زبان را بسنجد.

این مهارت‌ها عبارتند از:

- مهارت خواندن (Reading)
- مهارت نوشتن (Writing)
- مهارت شنیدن (Listening)
- مهارت صحبت کردن (Speaking)

^۱ Biggs, J. (۲۰۰۳). *Teaching for Quality Learning at University*

نصاب تعلیمی معارف افغانستان^۲

^۳ Bloom, B. (۱۹۵۶). *Taxonomy of Educational Objectives*.

^۴ Bachman, L. & Palmer, A. (1996). *Language Testing in Practice*.

۴. نظریه ارزیابی تکوینی و نهایی^۵

در آموزش زبان باید دو نوع ارزیابی استفاده شود:

ارزیابی تکوینی: در جریان تدریس انجام می‌شود تا پیشرفت شاگردان بررسی گردد. مانند: پرسش شفاهی، تمرین صنفی، فعالیت گروهی.

ارزیابی نهایی: بعد از ختم تمام درس‌ها در یک سال و یا دوره تعلیمی برای سنجش میزان یادگیری انجام می‌شود. مانند: ارزیابی کتبی، ارزیابی درک مطلب، نوشتن انشاء.

۵.۲ معیارهای ارزیابی مضمون زبان صنف نهم

بر اساس مبانی نظری (همراستایی با نصاب، سطوح شناختی بلوم، رویکرد شایستگی محور و ارزیابی تکوینی و نهایی)، ارزیابی زبان صنف نهم بر معیارهای ذیل استوار می‌باشد:

معیار درک مطلب - سنجش توانایی شاگرد در فهم، تحلیل و تفسیر متن.

شاخص‌های سنجش این معیار عبارتند از:

- تشخیص موضوع و ایده اصلی متن
- استنتاج پیام‌های ضمنی
- تحلیل دیدگاه نویسنده
- رایه پاسخ‌های تحلیلی به پرسش‌ها
- مقایسه مفاهیم در متون مختلف

معیار مهارت خواندن - بررسی توانایی شاگرد در خواندن درست، دقیق، انتقادی و هدفمند متن.

شاخص‌های سنجش آن عبارتند از:

- خواندن صحیح و نسبتاً روان متن
- رعایت علائم نگارشی در خواندن
- درک لحن و سبک متن
- خواندن انتقادی و تحلیل محتوا

معیار مهارت نوشتن - اندازه‌گیری توانایی تولید نوشتار منسجم، تحلیلی و هدفمند شاگرد.

شاخص‌های اندازه‌گیری آن عبارتند از:

- نگارش جملات صحیح و ساختارمند

^۵ Black, P. & Wiliam, D. (۱۹۹۸). *Assessment and Classroom Learning*.

- رعایت قواعد دستور زبان
- انسجام و پیوستگی مطالب
- سازمان‌دهی متن (مقدمه، بدنه، نتیجه)
- بیان و دفاع از دیدگاه (نوشتار استدلالی)
- نگارش انشاء، مقاله کوتاه یا تحلیل متن

معیار واژگان و دستور زبان - بررسی تسلط شاگرد بر کاربرد واژگان و ساختارهای زبانی در بافت واقعی.

شاخص‌های اندازه‌گیری آن عبارتند از:

- درک و کاربرد واژگان در متن
- استفاده دقیق از قواعد زبان در نوشتار و گفتار
- تشخیص و تحلیل نقش اجزای جمله
- اصلاح خطاهای دستوری
- کاربرد واژگان مناسب در موقعیت‌های مختلف

معیار مهارت گفتاری - سنجش توانایی بیان شفاهی مؤثر و هدفمند شاگرد.

شاخص‌های اندازه‌گیری آن عبارتند از:

- بیان واضح، منظم و قابل فهم افکار
- استفاده مناسب از واژگان
- مشارکت در بحث و گفتگو
- رایه و دفاع از دیدگاه
- توانایی مناظره و استدلال شفاهی

معیار پوشش محتوایی - میزان پوشش و تسلط بر بخش‌های مختلف برنامه درسی.

<u>خواندن:</u>	<u>دستور زبان:</u>	<u>ادبیات:</u>
<ul style="list-style-type: none"> ○ خواندن متن‌های داستانی ○ متون معلوماتی و علمی ○ شعر و قطعات ادبی ○ تحلیل و تفسیر متون 	<ul style="list-style-type: none"> ○ اقسام کلمه (اسم، فعل، صفت، ضمیر و...) ○ زمان‌های فعل ○ جمله ساده و مرکب ○ مطابقت اجزای جمله 	<ul style="list-style-type: none"> ○ اشعار کلاسیک و معاصر ○ تحلیل حکایات و متون ادبی ○ شناخت سبک‌ها و مفاهیم ادبی ○ معرفی نویسندگان و شاعران ○ نامه نویسی
<u>معنی لغات:</u>	<u>املا و نگارش:</u>	<u>بیان و انشاء:</u>
<ul style="list-style-type: none"> ○ واژه‌های جدید ○ مترادف‌ها ○ متضادها ○ کاربرد صحیح لغات 	<ul style="list-style-type: none"> ○ نوشتن درست واژه‌ها (املاء) ○ نوشتن جمله و پاراگراف ○ خلاصه نویسی ○ نوشتن انشاء یا داستان کوتاه 	<ul style="list-style-type: none"> ○ بیان نظر درباره یک موضوع ○ بازگویی یک داستان ○ گفتگو و بحث گروهی ○ خواندن انشاء و یک مطلب کوتاه

معیار سطوح شناختی بلوم - ارزیابی مضمون زبان باید با سطوح شناختی بلوم همخوانی و مطابقت داشته باشد. این سطوح و معیارهای آن در جدول ذیل رایه شده است.

جدول (۱) - سطوح شناختی و تعاریف آن در مضمون زبان

تعریف در زبان	سطح شناختی
حفظ و بیان کردن قواعد و تعاریف	یادآوری
توضیح مفهوم و محتوا با مثال	درک مفاهیم
استفاده از زبان در نوشتار و گفتار	کاربرد
تجزیه و بررسی ساختار متن و معنا	تحلیل و استدلال
نقد و قضاوت درباره کیفیت متن یا بیان	ارزشیابی
تولید متن جدید(انشاء، داستان، تحلیل)	ایجاد

بنابراین، معیارهای ارزیابی زبان در صنف نهم باید از سطح حفظ و بازگویی فراتر رفته و به طرف تحلیل و تفکر انتقادی، کاربرد زبان و تولید و ارتباط مؤثر حرکت کنند. این چارچوب کمک می کند تا سطح واقعی شایستگی زبانی شاگردان به صورت دقیق، عمیق و معیاری سنجیده شود.

ارتباط بین معیارهای ارزیابی و طراحی ارزیابی

طراحی ارزیابی های زبان صنف نهم باید مبتنی بر چارچوب نظری و معیارهای فوق بوده و توزیع متوازن سئوالات مطابق بخش های محتوایی و سطوح شناختی انجام شود. چنین ارزیابی هایی امکان تحلیل علمی نتایج، شناسایی نقاط قوت و ضعف شاگردان و ارایه بازخورد مؤثر به معلمان و تصمیم گیرندگان را فراهم می سازد.

۶. روش تطبیق

۶.۱ جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری این ارزیابی تمامی شاگردان صنوف نهم در ۹ ولایت سردسیر می باشد. براساس احصائیه سال تعلیمی ۱۴۰۴ تعداد شاگردان حاضر صنف نهم در این ۹ ولایت ۲۹۱۰۷۹ تن می باشد. از میان جامعه آماری تعداد ۳۵۲۸ تن شاگرد صنف نهم بعنوان نمونه تعیین گردید. در هر ولایت، (۲) ولسوالی با مرکز ولایت بصورت تصادفی انتخاب گردید و در هر ولسوالی، (حداقل ۴) باب مکتب و در هر مکتب، (۲۲) تن شاگرد در این ارزیابی شامل گردیدند.

بیشترین شاگردان از ولایت بلخ (۱۵٪) و کمترین شاگردان از ولایت های پنجشیر و سمنگان (۶٪) بوده اند.

۶،۲ ابزارهای ارزیابی

ارزیابی زبان صنف نهم در قالب سئوالنامه چایی در گروه (الف و ب) تهیه و به شاگردان در صنف توزیع گردید. سئوال نامه ها مجموعاً ۱۵ سئوال داشت و از انواع مختلف سئوالات (چند گزینه ای، صحیح و غلط، وصل کردنی، خانه خالی و تشریحی) استفاده شده بود. برای هر سئوال وقت و نمره مشخص تعیین گردیده بود و در مجموع (۹۰) دقیقه وقت برای حل سئوالات ارزیابی به شاگردان داده شد. ارزیابی مستقیماً توسط هیأت ارزیابی ریاست امتحانات معیاری در صنف درسی مکتب مربوطه از شاگردان اخذ و تمامی پارچه های ارزیابی بصورت شفاف و دقیق جمع آوری گردید.

۶،۳ اعتبار و ثبات

به منظور اطمینان از صحت، دقت و اعتبار نتایج ارزیابی، اعتبار و ثبات ارزیابی زبان صنف نهم به صورت علمی مورد بررسی قرار گرفت.

اعتبار ارزیابی بیانگر آن است که سئوالات تا چه اندازه توانسته‌اند، اهداف آموزشی و محتوای تعیین شده برای مضمون زبان صنف نهم را به درستی اندازه گیری کند. بدین منظور، سئوالات ارزیابی بر اساس محتوای کتاب درسی زبان صنف نهم، اهداف و جدول مشخصات ارزیابی تهیه گردید و از نظر پوشش موضوعات، سطوح شناختی (یادآوری، درک، کاربرد و حل مسئله) و تناسب با سطح سنی شاگردان از طریق تطبیق آزمایشی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، اعتبار محتوایی ارزیابی از طرف متخصصان مضمون زبان و کارشناسان ارزیابی تعلیمی تأیید و اصلاحات لازم قبل از اجرای نهایی اعمال گردید.

ثبات ارزیابی به میزان ثبات و همسانی نتایج ارزیابی در موقعیت های مختلف اشاره دارد. به منظور بررسی ثبات یا پایایی سئوالنامه، معلومات حاصل از اجرای آزمایشی ارزیابی مورد تحلیل آماری قرار گرفت و ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به سطح ۰.۸۶ محاسبه گردید. نتایج تحلیل ها نشان داد که سئوالات ارزیابی از همسانی درونی قابل قبول برخوردار بوده و ابزار سنجش توانسته است سطح یادگیری شاگردان را به گونه ای پایدار و قابل اعتماد اندازه گیری نماید.

در مجموع، مقدار آلفای بدست آمده و نظریات متخصصین نشان می دهد که ارزیابی زبان صنف نهم از اعتبار محتوایی مناسب و ثبات و همسانی قابل قبول برخوردار بوده و نتایج به دست آمده از آن می تواند به عنوان مبنای معتبر برای تحلیل وضعیت یادگیری شاگردان، شناسایی نقاط قوت و ضعف آموزشی و اتخاذ تصمیم های اصلاحی در روند تدریس و یادگیری مورد استفاده قرار گیرد.

۷. تحلیل معلومات

این بخش به تحلیل ارقام و معلومات حاصل از اجرای ارزیابی زبان صنف نهم اختصاص یافته است. ارقام و معلومات پس از جمع آوری، تصفیه و تنظیم، با استفاده از روش های آماری توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته اند تا تصویری روشن از سطح یادگیری شاگردان، الگوهای عملکرد و میزان تحقق اهداف آموزشی ارائه گردد. تمرکز اصلی این بخش بر بررسی **نمرات عمومی، توزیع نمرات شاگردان بر اساس سطوح یادگیری و تحلیل عملکرد آنان در سطوح مختلف شناختی** می باشد.

۷،۱ تحلیل عمومی نمرات شاگردان

مطابق جدول (۲)، حجم نمونه ی مورد ارزیابی برای سنجش سطح یادگیری مضمون زبان ۳۵۲۸ تن شاگردان صنف نهم بوده است. **اوسط نمرات** بدست آمده از ارزیابی، ۴۱ از ۱۰۰ می باشد. این مقدار نشان می دهد که سطح کلی یادگیری شاگردان **نزدیک به حد مطلوب** بوده و اکثریت شاگردان نتوانسته اند به حداقل قابلیت های تعریف شده در نصاب تعلیمی دست یابند. **انحراف معیار** ۲۰.۱۹ به معنای پراکندگی نسبتاً زیاد نمرات شاگردان می باشد. این موضوع نشان می دهد که در عملکرد شاگردان

در این مضمون تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که بخشی از شاگردان نمرات بسیار پایین و بخشی دیگر نمرات نسبتاً بالاتری کسب کرده‌اند.

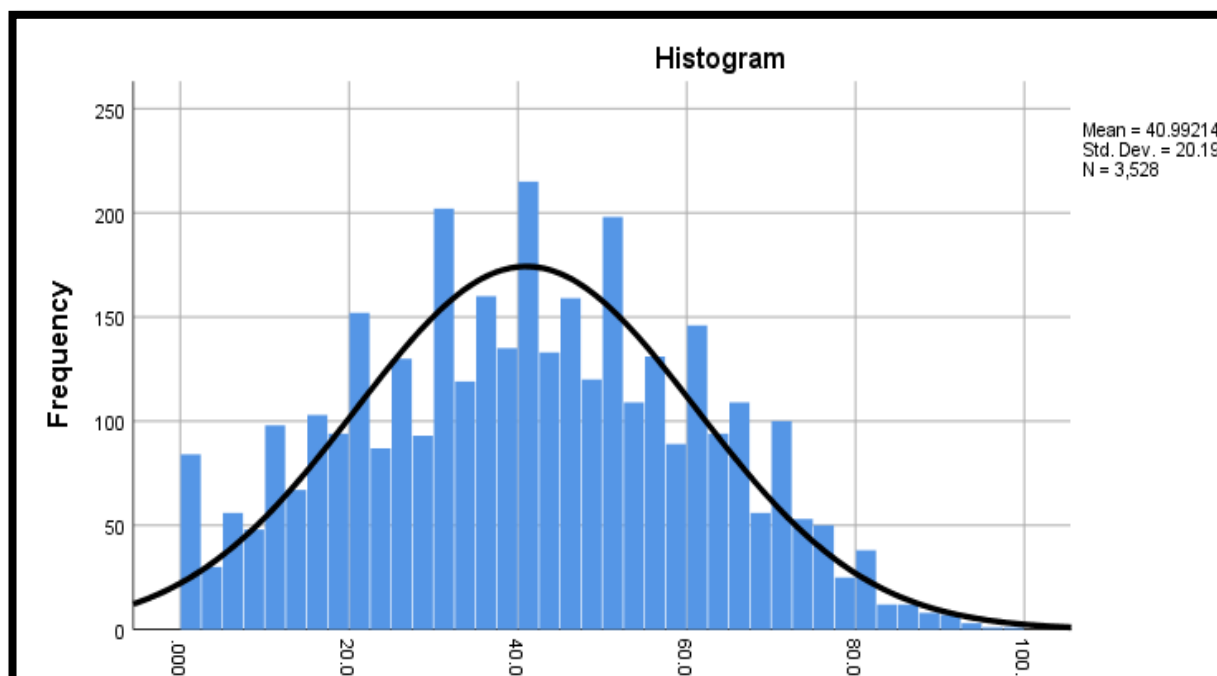
حداقل نمره کسب شده (جدول ۲) نشان‌دهنده آن است که شماری از شاگردان هیچ پاسخ صحیحی ارائه نکرده‌اند یا به‌طور کامل در ارزیابی ناکام بوده‌اند.

در مقابل، حداکثر نمره کسب شده (۱۰۰) بیانگر این است که تعداد محدودی از شاگردان توانسته‌اند به تسلط کامل بر محتوای مضمون زبان دست یابند. با این حال، فاصله زیاد میان حداقل و حداکثر نمره نشان‌دهنده نابرابری شدید در سطح یادگیری شاگردان می‌باشد.

جدول (۲) وضعیت عمومی نمرات شاگردان در ارزیابی زبان صنف نهم

وضعیت عمومی مضمون زبان صنف نهم	
۳۵۲۸	تعداد شاگردان ارزیابی شده
۴۰.۹۹	اوسط نمرات
۲۰.۱۹	انحراف معیار (پراکندگی)
۰	حداقل نمره
۱۰۰.۰۰	حداکثر نمره

شکل (۱) منحنی توزیع نمرات زبان صنف نهم شاگردان در ۹ ولایت سردسیر



با توجه به اینکه شکل منحنی تقریباً نرمال (زنگوله‌ای) است. بیشترین تمرکز نمرات بین ۳۰ تا ۶۰ است و تعداد شاگردان با نمرات خیلی بالا (بالاتر از ۷۰) کم است. اما تعداد قابل توجهی از نمرات در سطح پایین ۰ تا ۴۰ دیده می‌شوند.

این الگو نشان میدهد که شاگردان احتمالاً در مهارت های اساسی مانند درک مطلب، دستور زبان و املاء مشکل دارند. همچنین، بدلیل پراکندگی یا تفاوت زیاد بین نمرات شاگردان، ممکن است استفاده از روش تدریس یکسان برای همه مؤثر نبوده باشد.

۷,۲ توزیع شاگردان براساس سطوح عملکرد

در جدول (۳)، چگونگی توزیع نمرات شاگردان صنف نهم بر اساس سطوح عملکرد نشان داده شده است که تفسیر آن به شرح زیر ارائه می‌گردد:

بررسی فیصدی ها در جدول ذیل نشان میدهد که بیشترین تمرکز شاگردان در سطح «پایین تر از حد مطلوب» قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ۱۶۵۸ شاگرد معادل ۴۷٪ نمره‌ای کمتر از ۴۰ کسب کرده‌اند. این یافته بیانگر آن است که تقریباً نصف شاگردان به حداقل معیارهای یادگیری زبان دست نیافته‌اند و در مهارت‌های پایه‌ای مانند دستور زبان، علایم نگارشی و مقاله نویسی با چالش جدی روبه‌رو هستند. این سطح از ضعف، عدم مؤثریت پروسه تدریس و یادگیری را در این مضمون نشان می‌دهد.

در سطح «نزدیک به حد مطلوب»، ۶۲۷ شاگرد معادل ۱۸٪ قرار دارند. این گروه اگرچه به حد معیار نرسیده‌اند، اما بواسطه برنامه‌های جبرانی و تقویتی می‌توانند در مدت نسبتاً کوتاه به سطح مطلوب ارتقا یابند.

سطح «برابر با حد مطلوب» شامل ۹۳۲ شاگرد معادل ۲۶٪ است. این شاگردان توانسته‌اند معیارهای اساسی یادگیری را برآورده سازند، اما فیصدی اندک این گروه نشان می‌دهد که تحقق اهداف آموزشی زبان برای اکثریت شاگردان امکان‌پذیر نبوده است.

در نهایت، تنها ۳۱۱ شاگرد معادل ۹٪ در سطح «بالتر از حد مطلوب» قرار دارند. این فیصدی بسیار پایین، بیانگر آن است که سیستم تعلیمی در این ولایات در شناسایی، آموزش و حمایت از استعدادهای برتر زبان نیز عملکرد محدودی داشته اند.

در مجموع، توزیع شاگردان در سطوح عملکرد نشان می‌دهد که روند تدریس و یادگیری نسبتاً در سطوح پایین متمرکز شده و سطوح عملکرد شاگردان متوازن نیست.

جدول (۳) چگونگی توزیع نمرات زبان و عملکرد شاگردان

سطح عملکرد	محدوده نمره	تعداد شاگردان	فیصدی
پایین تر از حد مطلوب	۰-۳۹	۱۶۵۸	۴۷ %
نزدیک به حد مطلوب	۴۰-۴۹	۶۲۷	۱۸ %
برابر با حد مطلوب	۵۰-۶۹	۹۳۲	۲۶ %
بالتر از حد مطلوب	۷۰+	۳۱۱	۹ %
مجموعه		۳۵۲۸	۱۰۰ %

در مجموع بررسی سطوح عملکرد نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از شاگردان در سطوح پایین تر از معیار مورد انتظار قرار دارند، در حالی که فیصدی کمتری از شاگردان توانسته‌اند به سطوح بالاتر یادگیری دست یابند. این الگو بیانگر آن است که تحقق اهداف آموزشی زبان صنف نهم به‌گونه یکنواخت در میان شاگردان صورت نگرفته است.

۷,۳ تحلیل عملکرد شاگردان براساس سطوح مختلف شناختی

بررسی فیصدی پاسخ‌های صحیح در جدول (۴)، تحلیل سطوح مختلف شناختی نشان می‌دهد که عملکرد شاگردان به صورت تدریجی از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر شناختی کاهش یافته است؛ الگویی که بیانگر غلبه یادگیری سطحی بر یادگیری عمیق می‌باشد.

در سطح یادآوری، شاگردان با ۴۵٪ پاسخ صحیح، بهترین عملکرد را داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که شاگردان در به‌خاطر سپردن معلومات، تعاریف و قواعد اساسی تا حد قابل قبولی موفق بوده‌اند.

در سطح درک مفاهیم، فیصدی پاسخ صحیح به ۳۵٪ کاهش یافته است که بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از شاگردان در تفسیر، توضیح و فهم مفاهیم درسی با دشواری مواجه‌اند و یادگیری آن‌ها عمدتاً بالاتر از حفظ مطالب شکل نگرفته است.

در سطح کاربرد، میزان پاسخ صحیح با ۱۲٪، کاهش بیشتر را نشان می‌دهد. این امر بیانگر ضعف شاگردان در به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و مسائل عملی می‌باشد و نشان می‌دهد که میان دانش نظری شاگردان و استفاده عملی از آن در موقعیت‌های مختلف فاصله وجود دارد.

کمترین میزان پاسخ صحیح مربوط به سطوح بالای حیطه شناختی با ۸٪ است. این یافته نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در مهارت‌های تفکر سطح بالا، تحلیل، استنتاج و حل مسائل پیچیده می‌باشد که از مهم‌ترین اهداف آموزش معاصر به‌شمار می‌رود.

جدول (۴) تحلیل سطوح شناختی شاگردان در مضمون زبان صنف نهم

سطوح شناختی	فیصدی پاسخ صحیح
یادآوری	۴۵٪
درک مفاهیم	۳۵٪
کاربرد	۱۲٪
استدلال و حل مسأله	۸٪

به‌طور کلی، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تمرکز آموزشی بیشتر بر سطوح پایین شناختی بوده و مهارت‌های تفکر عالی به اندازه کافی تقویت نشده است. این وضعیت ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، طراحی سؤالات متوازن ارزیابی و تأکید بیشتر بر فعالیت‌های تحلیلی، کاربردی و مسئله‌محور را برجسته می‌سازد.

۷,۴ تحلیل عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری مضمون زبان صنف نهم در ۹ ولایت سردسیر

به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری مضمون زبان صنف نهم در ولایات فوق، معلومات در مورد درجه تحصیل، مطابقت رشته و تجربه معلمین با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید که نتایج آن در بخش ذیل ارائه و تحلیل می‌گردد:

۷.۴.۱ درجه تحصیل معلم

درجه تحصیل معلم، یکی از فکتورهای مهم در یادگیری شاگردان بحساب می آید. خلاصه نتایج بدست آمده از پرسشنامه در جدول (۵) نشان میدهد که ۶۶٪ معلمان زبان صنف نهم در ولایت های ارزیابی شده، دارای درجه تحصیل لیسانس، ۲۸٪ چهارده پاس، ۴٪ ماستر و ۲٪ دوازده پاس بوده اند.

در مجموع، وضعیت کلی درجه تحصیلی معلمان زبان با توجه به فیصدی های بدست آمده به شرح زیر است:

- اکثر معلمان، حداقل معیارهای تحصیلی را دارا می باشند.
- فیصدی معلمان دارای تحصیلات ماستری بسیار محدود است.
- هنوز هم در بعضی مکاتب ولایات، معلمان دوازده پاس مضمون زبان را تدریس می کنند که ممکن است یکی از عوامل اصلی پایین بودن کیفیت تدریس و یادگیری مضمون زبان در مکاتب ارزیابی شده همین موضوع باشد.

بطور کلی، از نظر کمی وضعیت تحصیلی معلمان بسیار خوب به نظر می رسد، اما از نظر کیفی، کمبود معلمان مسلکی هنوز هم احساس می شود.

جدول (۵) درجه تحصیل معلمان زبان صنف نهم بر اساس ولایت

شماره	ولایت	درجه تحصیلی			مجموع معلمان مصاحبه شده که زبان تدریس می کنند.
		۱۲ پاس	۱۴ پاس	لیسانس	
۱	پنجشیر	۲۰٪	۴۰٪	۴۰٪	۵
۲	ولایت کابل	۰٪	۳۵٪	۵۹٪	۱۷
۳	شهر کابل	۰٪	۱۴٪	۷۶٪	۴۱
۴	هرات	۰٪	۲۷٪	۶۴٪	۱۱
۵	غزنی	۸٪	۳۱٪	۶۱٪	۱۳
۶	بلخ	۷٪	۲۰٪	۶۰٪	۱۵
۷	سمنگان	۰٪	۳۳٪	۶۷٪	۳
۸	بغلان	۰٪	۲۹٪	۷۱٪	۷
۹	بامیان	۲۰٪	۲۰٪	۶۰٪	۵
	مجموعه	۶٪	۲۸٪	۶۲٪	۱۱۷

تحلیل مقایسوی ولایات نشان میدهد که شهر کابل با (۷۶٪)، بغلان با (۷۱٪)، سمنگان با (۶۷٪) و هرات با (۶۴٪) بالاترین سهم معلمان لیسانس را دارا می باشند. این ولایات از نظر سطح تحصیلات معلمان زبان در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند.

در مقابل، ولایات پنجشیر با (۴۰٪)، ولایت کابل با (۳۵٪) و (سمنگان) با (۳۳٪) دارای بالاترین میزان معلمان چهارده پاس زبان می باشند. در این ولایات فیصدی بالای معلمان چهارده پاس می تواند بر کیفیت تدریس بویژه در کیفیت تدریس مفاهیم عمیق تر زبان، اثر منفی بگذارد.

بیشترین سهم معلمان با تحصیلات ماستری مربوط به ولایت بلخ (۱۳٪) و شهر کابل (۱۲٪) است. در ولایت های پنجشیر، بغلان، بامیان، غزنی و سمنگان هیچ معلم دارای مدرک ماستری گزارش نشده است.

بیشترین سهم معلمان دوازده پاس در ولایت های بامیان و پنجشیر (۲۰٪) بوده که از نظر معیارهای استخدامی، قابل توجه و نیازمند رسیدگی است. این شاخص در ولایت غزنی (۸٪) و در بلخ (۷٪) است و در متباقی ولایات، دوازده پاس گزارش نشده است.

به طور کلی، معلمان زبان در این ۹ ولایت از نظر درجه تحصیل در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارند، اما برای ارتقای کیفیت تدریس زبان، به ویژه در راستای بهبود یادگیری مفهومی و استدلالی شاگردان، لازم است تا در بخش ارتقای تحصیلات و ظرفیت سازی مسلکی معلمان (شامل ورکشاپ های ارتقای ظرفیت و زمینه سازی تحصیل در دوره ماستری) سرمایه گذاری جدی صورت گیرد.

۷.۴.۲ تدریس مطابق رشته و خلاف رشته

رشته تحصیل معلم نیز یکی از عوامل مؤثر بر یادگیری و یکی از شاخص های کلیدی کیفیت تدریس محسوب می شود. تدریس زبان مطابق رشته تحصیلی معمولاً با تسلط مفهومی بهتر، انتخاب روش های تدریس مؤثرتر و ارزیابی دقیق تر یادگیری شاگردان همراه است. تدریس خلاف رشته می تواند یکی از عوامل مهم ضعف در درک مفاهیم انتزاعی؛ محدود ماندن تدریس در سطح حفظیات؛ و کاهش عملکرد شاگردان در سطوح شناختی بالاتر باشد.

به منظور تحلیل میزان تدریس مطابق و خلاف رشته در این ولایات، معلومات مورد نیاز در جریان پروسه ارزیابی از طریق پرسشنامه از ۱۱۷ تن معلم جمع آوری گردید. تحلیل کمی معلومات بیانگر این است که از مجموع (۱۱۷) تن معلمان مصاحبه شده مضمون زبان؛ ۷۳٪ آنها مطابق رشته تدریس می کنند. این فیصدی نشان می دهد که بین رشته تحصیلی معلمان و مضمونی که آنها تدریس می کنند؛ تطابق زیاد و قابل قبول وجود دارد که می تواند در بهبود کیفیت تدریس و یادگیری عمیق تر شاگردان نقش مؤثری داشته باشد.

جدول (۶) رشته تحصیل معلم زبان صنف نهم به تفکیک ولایت

شماره	ولایت	مجموع معلمان مصاحبه شده که زبان تدریس می کنند.	رشته تحصیل		
			تعداد مطابق رشته	٪ مطابق رشته	تعداد خلاف رشته
۱	پنجشیر	۵	۴	۸۰٪	۱
۲	ولایت کابل	۱۷	۱۲	۷۱٪	۵
۳	شهر کابل	۴۱	۳۰	۷۳٪	۱۱
۴	هرات	۱۱	۸	۷۳٪	۳
۵	غزنی	۱۳	۹	۶۹٪	۴
۶	بلخ	۱۵	۱۱	۷۳٪	۴
۷	سمنگان	۳	۲	۶۷٪	۱
۸	بغلان	۷	۵	۷۱٪	۲
۹	بامیان	۵	۴	۸۰٪	۱
	مجموعه	۱۱۷	۸۵	۷۳٪	۳۲

همچنین، مطابق جدول فوق، ۲۷٪ معلمان خلاف رشته تدریس می نمایند که رقم قابل توجهی است و نشان‌دهنده کمبود معلمان مسلکی یا توزیع نامتوازن معلمان در مضمون زبان در برخی مکاتب ولایات مورد نظر می‌باشد. این وضعیت می‌تواند بر کیفیت تدریس، میزان درک مفاهیم علمی و تحقق اهداف یادگیری تأثیر منفی داشته باشد.

تحلیل مقایسوی ولایات، نشان می‌دهد که ولایت‌های بامیان و پنجشیر با (۸۰٪)، هرات و شهر کابل با (۷۳٪) به ترتیب بالاترین سهم معلمان مطابق رشته را دارا می‌باشند که در وضعیت بسیار خوب قرار دارند.

اما، ولایت غزنی با (۶۹٪) و ولایت سمنگان با (۶۷٪) نسبت به هفت ولایت دیگر کمترین فیصدی معلمان مطابق رشته را دارند. در مجموع وضعیت تدریس مطابق رشته در کل در سطح این ۹ ولایت، نسبتاً خوب می‌باشد. درحالی که مشکل تدریس خلاف رشته هنوز هم در مکاتب برخی ولایات بدلائیل مختلف وجود دارد و حاکی از عدم توازن در توزیع نیروی مسلکی و متخصص بالعموم در معارف می‌باشد.

از طرف دیگر، حضور ۲۷٪ معلمان خلاف رشته نیز می‌تواند یکی از عوامل مهم ضعف در درک مفاهیم انتزاعی؛ محدود ماندن تدریس در سطح حفظیات؛ و کاهش عملکرد شاگردان در سطوح شناختی بالاتر باشد.

اینک باتوجه به وضعیت فوق، اقدامات ذیل جهت ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری زبان در مکاتب کشور بخصوص در ولایات ارزیابی شده، پیشنهاد می‌گردد:

- کاهش فیصدی تدریس خلاف رشته، به‌ویژه در ولایت‌های با فیصدی بالا؛
- اولویت‌دهی به جذب و جابه‌جایی معلمان متخصص زبان؛
- برگزاری برنامه‌های ارتقای ظرفیت تخصصی برای معلمان خلاف رشته موجود.

۷.۴.۳ تجربه تدریس معلمان

حضور گسترده معلمان باتجربه در مکتب، از نظر انتقال دانش اساسی به شاگردان و مدیریت مؤثر پروسه تدریس و یادگیری در صنف، یک نقطه قوت و عامل مهم در بهبود کیفیت تعلیم محسوب می‌شود. با این حال، نبود توازن میان تجربه معلم و استفاده از روش‌های جدید تدریس، ممکن است سبب تداوم و افزایش استفاده از روش‌های قدیمی تدریس از سوی معلمان بجای انطباق‌پذیری با روش‌های جدید مانند شاگرد محوری، حل مسأله و ارزشیابی تکوینی در صنف گردد.

معلومات بدست آمده پیرامون تجربه تدریس معلمان زبان در ۹ ولایت شامل ارزیابی مندرج در جداول (۷) و (۸)، نشان می‌دهد که:

- بیشترین سهم مربوط به معلمان با سابقه ۱۱ الی ۱۵ سال، (۲۹٪) است که نشان‌دهنده حضور قابل توجه نیروی بشری جوان و باتجربه در مکاتب مورد نظر می‌باشد.
- پس از آن، معلمان با سابقه ۶ الی ۱۰ سال (۲۵٪) نیز سهم قابل توجهی دارند و معمولاً در مرحله پختگی حرفه‌ای قرار دارند.
- سهم معلمان با سابقه ۱ الی ۵ سال (۲۰٪) نیز نسبتاً پایین‌تر از گروه‌های باتجربه است.
- کمترین سهم مربوط به معلمان با سابقه کمتر از یک سال (۲٪) است که نشان می‌دهد استخدام نیروی بشری در این ولایات بسیار محدود بوده است.

اگرچه، این معلومات مشخص نمی کند که منظور از مدت تجربه تدریس، تدریس مطابق رشته است یا خلاف رشته؟ در مجموع، معلومات فوق نشان می دهد که ترکیب نیروی تدریسی مکاتب ارزیابی شده در ۹ ولایت مورد نظر، از لحاظ تجربه مسلکی مناسب بوده و امکان قضاوت درباره توازن میان معلمان کم تجربه و باتجربه را فراهم می سازد.

جدول (۷) تجربه تدریس معلمان

سابقه کاری در بخش تدریس	
کمتر از یک سال	۲ %
۱ الی ۵ سال	۲۰ %
۶ الی ۱۰ سال	۲۵ %
۱۱ الی ۱۵ سال	۲۹ %
۱۶ الی ۲۰ سال	۱۵ %
بالاتر از بیست سال	۹ %
مجموعه	۱۰۰ %

جدول (۸) تجربه تدریس معلمان براساس ولایت

شماره	ولایت	مجموع معلمین مصاحبه شده که زبان تدریس می کنند.	تجربه تدریس معلم					
			کمتر از ۱ سال	۱ الی ۵ سال	۶ الی ۱۰ سال	۱۱ الی ۱۵ سال	۱۶ الی ۲۰ سال	بیشتر از ۲۰ سال
۱	پنجشیر	۵	۰	۱	۱	۲	۱	۰
۲	ولایت کابل	۱۷	۰	۳	۴	۵	۳	۲
۳	شهرکابل	۴۱	۱	۸	۱۰	۱۲	۶	۴
۴	هرات	۱۱	۰	۲	۳	۳	۲	۱
۵	غزنی	۱۳	۰	۳	۳	۴	۲	۱
۶	بلخ	۱۵	۰	۳	۴	۴	۲	۲
۷	سمنگان	۳	۰	۲	۱	۰	۰	۰
۸	بغلان	۷	۰	۲	۲	۲	۱	۰
۹	بامیان	۵	۱	۰	۱	۲	۱	۰
	مجموعه	۱۱۷	۲	۲۴	۲۹	۳۴	۱۱	۱۰
	فیصدی	٪۱۰۰	٪۲	٪۲۱	٪۲۵	٪۲۹	٪۱۵	٪۹

محاسبه مجموعی گروههای های مختلف تجربه معلمین شامل (گروههای ۶ الی ۱۰ سال، ۱۱ الی ۱۵ سال و بالاتر) نشان میدهد که حدود ۷۸٪ معلمان دارای بیش از ۶ سال سابقه تدریس هستند.

این وضعیت نشان دهنده ثبات و تجربه بالا در نیروی تدریسی مکاتب ارزیابی شده است که می تواند به مدیریت بهتر صنف، انتقال مؤثر مفاهیم و شناخت عمیق تر از نصاب درسی کمک کند.

در مقابل، فیصدی اندک معلمان تازه‌کار می‌تواند بیانگر محدودیت در جذب معلمان جدید؛ خطر پیری کادر تدریسی در بلندمدت؛ و کاهش تدریجی نوآوری و روش‌های تدریس نوین در این مکاتب باشد.

به‌طور کلی، سابقه کاری معلمان در این ولایات نشان‌دهنده تجربه بالا و استخدام محدود معلمان جوان است. این وضعیت در کوتاه‌مدت، ظرفیت بشری برای تدریس مضمون زبان را تأمین می‌کند، اما در بلندمدت نیازمند پلانگذاری برای جذب، تربیه و تقرر معلمان جدید می‌باشد.

۷.۵ تحلیل عوامل تدریسی و مدیریتی مؤثر بر یادگیری از نظر معلمان

در جریان ارزیابی با معلمان مکاتب شامل ارزیابی، در مورد میزان تأثیر عوامل تدریسی (موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی، درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی، انگیزه شاگردان برای یادگیری) و عوامل مدیریتی مؤثر بر یادگیری مانند (مشارکت والدین در فعالیت‌های مکتب و همکاری مدیر با معلمان) نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول (۹) میزان تأثیر عوامل تدریسی و مدیریتی بر یادگیری از نظر معلمان

تأثیر سایر عوامل بر یادگیری شاگردان	مقدار تأثیر	فیصدی موافقه معلمان
۱. موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی	بالا	٪ ۷۴
	متوسط	٪ ۲۶
	پایین	٪ ۰
۲. درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی	بالا	٪ ۷۷
	متوسط	٪ ۲۳
	پایین	٪ ۰
۳. مشارکت والدین در فعالیت‌های مکتب	بالا	٪ ۲۱
	متوسط	٪ ۴۱
	پایین	٪ ۳۸
۴. انگیزه شاگردان برای یادگیری	بالا	٪ ۳۸
	متوسط	٪ ۴۳
	پایین	٪ ۱۹
۵. همکاری مدیر با معلمان	بالا	٪ ۸۲
	متوسط	٪ ۱۷
	پایین	٪ ۱

یافته‌های نظرخواهی از معلمان ۹ ولایت ارزیابی شده، نشان می‌دهد که از دیدگاه آنها، برخی عوامل تدریسی و مدیریتی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در بهبود یادگیری شاگردان دارند.

از نظر ۸۲٪ معلمان، همکاری مدیر با معلمان در یادگیری شاگردان تأثیر بالا دارد. از این نتیجه می توان استنباط نمود که این موضوع ناشی از تجربه مشترک معلمان در مکاتب مختلف بوده، نه برداشت فردی تعدادی از معلمان. همچنین، نشان می دهد که نقش مدیریت مکتب در ذهن معلمان بسیار پر اهمیت و عینی است. نکته انتقادی این است که هنوز ۱۸٪ معلمان این تأثیر را بالا نمی دانند. اگرچه دلیل اصلی و حقیقی چنین برداشتی روشن نیست اما ممکن است به این خاطر باشد که برخی معلمان از مدیریت ضعیف مکاتب شان تجربه های منفی داشته و یا از نقش واقعی مدیر در یادگیری شاگردان، درک درست ندارند.

این نتیجه از نظر مدیریتی و آموزشی پیام مهمی دارد؛ اینکه کیفیت یادگیری تنها وابسته به عملکرد معلم در صنف نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر رهبری و مدیریت مکتب نیز است. از دید معلمان، مدیر علاوه بر برخورداری از مقام اداری و مدیریتی می تواند یک عامل تسهیل کننده یادگیری و یا بالعکس، یک عامل بازدارنده باشد.

بنابراین، پیشنهاد می شود که بر ارتقای ظرفیت مدیران مکاتب در زمینه رهبری آموزشی، مدیریت منابع بشری و حمایت از تدریس بیشتر توجه شود؛ نقش مدیر مکتب از وظایف اداری به وظایف رهبری ارتقاء داده شود و فرهنگ همکاری سازمانی در مکاتب از طریق راه اندازی جلسات منظم تدریسی و ایجاد حلقات یادگیری معلمان بیش از پیش ترویج و تقویت گردد.

۷۷٪ معلمان مصاحبه شده اذعان داشته اند که درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی بر یادگیری شاگردان تأثیر بالا دارد. این موضوع بدیهی بودن این واقعیت را نشان میدهد که آگاهی و فهم عمیق معلم از اهداف نصاب، پیش شرط اساسی برای تدریس مؤثر و جهت دهی درست به فعالیت های درسی محسوب می شود. اما، متأسفانه با توجه به اوسط پایین نمرات شاگردان در این مضمون، می توان استنباط کرد که شاید در عمل، بسیاری از معلمان درک عمیق و کاربردی از اهداف نصاب تعلیمی ندارند.

از طرف دیگر، این اندازه اذعان و خودآگاهی معلمان بیانگر این است که آنها مشکل را بخوبی درک کرده اند، آماده تغییر هستند و به دنبال راه حل برای مشکل می گردند. بنابراین بهتر خواهد بود که بر توانمندسازی معلمان و حمایت از آنها در این زمینه بیش از پیش تمرکز صورت گیرد؛ چون سرمایه گذاری روی تقویت فهم معلم از نصاب، احتمالاً ثمریت بیشتری نسبت به بسیاری از برنامه های دیگر مثل توزیع کتاب یا تهیه تجهیزات داشته باشد.

از نظر ۷۴٪ معلمان مصاحبه شده، موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی بر یادگیری شاگردان تأثیر بالا دارد. این میزان توافق بدین معناست که اکثر معلمان به این درک رسیده اند که پلان درسی زمانی ارزش دارد که بصورت مؤثر، منظم و هدفمند در صنف تطبیق شود. در مقابل، ۲۶٪ آنها بیان داشته اند که تأثیر این موضوع بر یادگیری در حد متوسط و یا کم است. از این نظر می توان استنباط نمود که هنوز تعدادی از معلمان وجود دارند که به اهمیت پلان سازی و تطبیق آن در صنف، توجه جدی ندارند؛ به همین دلیل ممکن است این تعداد معلمان از روش های مناسب تدریس در صنف استفاده نکرده باشند و یا حتی بدون پلان درسی صنف را پیش برده باشند.

از دیدگاه ۴۰٪ معلمان، مشارکت والدین در فعالیت های مکتب بالاترین تأثیر را بر یادگیری شاگردان دارد. از این یافته چنین استنباط می شود که معلمان مصاحبه شده درباره تأثیر این عامل بر یادگیری اتفاق نظر کامل ندارند و می تواند نشانه ای از ضعف ارتباط مکتب و خانواده یا محدود بودن نقش عملی والدین در روند تدریس و یادگیری باشد.

در آخر، از نظر ۳۸٪ معلمان، انگیزه شاگردان در یادگیری آنها تأثیر بالا دارد. از این یافته استنباط می شود که بیشتر از نیم معلمان - احتمالاً - دانش کم و درک ضعیف از روان شناسی تربیتی شاگردان دارند و یا هم ممکن است، نشانه آشکار از تأثیر

پذیری آنها از روش تدریس معلم محور و عادت به آن باشد. بنابراین، نیاز به تقویت نگرش معلمان این ولایات و ارتقای دانش و درک آنها در زمینه روان شناسی تربیتی و مدیریت انگیزش شاگردان در یادگیری دروس، کاملاً احساس می شود.

در حالی که اکثر معلمان، عواملی چون همکاری مدیر با معلمان، درک اهداف نصاب و یا موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی را مهمتر و دارای تأثیر بالاتر می دانند؛ در مقابل، شماری از معلمان بر این نظر اند که تأثیر عوامل بیرون از مکتب بخصوص مشارکت والدین بر یادگیری شاگردان بیشتر است. این دیدگاه می تواند بازتاب شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی والدین باشد؛ اینکه همه والدین سواد یا وقت کافی برای همکاری با مکتب را ندارند و یا بدلیل فاصله زیاد بین مکتب و خانه نمی توانند با مکتب همکاری کنند. در نتیجه، تأثیر این عامل در عمل بسیار محدود خواهد بود.

برداشت دیگر این است که مشارکت والدین نه بعنوان یک عامل مستقل بلکه بعنوان یک عامل مکمل در کنار سایر عوامل مؤثر بر یادگیری در نظر گرفته شود، چون به تنهایی نمی تواند ضعف یادگیری را جبران کند. به هر حال، آنچه مهم و ضروری پنداشته می شود این است که این عامل باید بگونه سیستماتیک تقویت شود تا زمینه های لازم برای تعامل مؤثر بین خانه و مکتب بیش از پیش مساعد گردد.

به طور کلی، نتایج این جدول حاکی از آن است که از نظر معلمان این ولایات عوامل مرتبط با حمایت مدیریتی و توانمندی حرفه ای و تدریسی معلم بیشترین تأثیر را بر یادگیری شاگردان دارند، بنابراین، در طرح و تطبیق برنامه های تعلیمی باید بر تقویت این عوامل بیشتر تمرکز و توجه صورت گیرد.

۷.۶ میزان موجودیت مشکلات عمده در مکتب از نظر معلمان

در این ارزیابی، از معلمان، در مورد میزان موجودیت مشکلات عمده در مکتب نیز نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در جدول (۱۰) بطور خلاصه ارایه گردیده است.

جمع بندی نظریات معلمان نشان میدهد که از دیدگاه آنها، مکاتب ارزیابی شده با چالش های مهم زیربنایی و اداری مواجه اند که بر کیفیت تدریس و یادگیری شاگردان تأثیرگذار می باشند.

یکی از مشکلات موجود در مکاتب، نامناسب بودن ساختمان مکتب است، ۳۵٪ معلمان معتقد اند که این مشکل بسیار زیاد وجود دارد، در حالی که ۳۴٪ آن را تاحدی موجود دانسته و ۳۱٪ ابراز داشته اند که این مشکل هیچ وجود ندارد. این وضعیت نشان می دهد که هرچند همه مکاتب با بحران شدید زیربنایی روبه رو نیستند، اما تعدادی زیاد از آنها از نظر ساختمان و امکانات فیزیکی در شرایط مطلوب قرار ندارند.

مشکل عمده دیگر در مکاتب ارزیابی شده، موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف بوده، ۳۸٪ معلمان این مشکل را بسیار زیاد و ۲۸٪ تا حدی موجود دانسته اند. در مجموع، بیش از دو سوم معلمان به نوعی از ازدحام زیاد شاگردان در صنف شکایت دارند که این امر می تواند باعث کاهش توجه فردی به شاگردان، پایین آمدن کیفیت تدریس و دشواری در مدیریت صنف گردد.

همچنین، در مورد زیاد بودن ساعات درسی معلمان، ۳۷٪ معلمان آن را به عنوان یک مشکل بسیار زیاد و ۲۷٪ تا حدی مشکل ارزیابی کرده اند. این یافته نشان می دهد که فشار کاری بالا بر معلمان می تواند سبب خستگی شغلی، کاهش انگیزه و در نهایت پایین آمدن کیفیت تدریس و یادگیری شود، باوجود این، ۲۴٪ معلمان این مشکل را اصلاً موجود ندانسته اند.

به طور کلی، نتایج جدول ذیل بیانگر آن است که از نظر معلمان این ولایات، ازدحام شاگردان در صنوف و فشار کاری زیاد بر معلمان از جدی‌ترین مشکلات مکاتب به‌شمار می‌رود، در حالی که وضعیت ساختمان مکاتب نیز در سطح متوسط یک چالش همیشگی محسوب می‌شود. رسیدگی هدفمند به این مشکلات می‌تواند نقش مهم در بهبود محیط تعلیمی و ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری در این مکاتب ایفا نماید.

جدول (۱۰) تأثیر مشکلات عمده مکاتب بر یادگیری

مشکلات عمده در مکاتب ارزیابی شده	میزان موجودیت	نظر معلمان (%)
۱. نامناسب بودن ساختمان مکتب	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۳۵
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۳۴
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۳۱
۲. موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۳۸
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۲۸
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۳۲
۳. زیاد بودن ساعات درسی معلمان	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۳۷
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۲۷
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۲۴

۷.۷ روش تدریس معلم

به هدف کسب معلومات در مورد روش تدریس معلم در صنف، با (۱۵۷) تن معلم مصاحبه صورت گرفت تا معلوم گردد که معلمان بیشتر از کدام روش در تدریس مضمون زبان استفاده می‌کنند و اینکه آیا روش استفاده شده توسط معلمان، روش معیاری و مناسب است یا خیر؟

طوری که در جدول ذیل دیده می‌شود، بیشترین معلمان (۴۴٪) گفته‌اند که از روش شاگرد محوری در تدریس مضمون زبان استفاده می‌کنند. این امر احتمالاً نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از معلمان در جریان تدریس به مشارکت فعال شاگردان در یادگیری و تعامل صنفی توجه دارند که یک شاخص مثبت بحساب می‌آید.

۲۴٪ معلمان گفته‌اند که از روش سخنرانی استفاده می‌کنند که بیانگر تداوم استفاده از روش معلم محور و قدیمی در برخی از صنوف درسی است.

۲۰٪ معلمان پاسخ داده‌اند که از روش سوال و جواب در تدریس استفاده می‌کنند که نشان دهنده تلاش معلمان برای ایجاد تعامل و سنجش میزان درک شاگردان در جریان تدریس می‌باشد.

در آخر، ۱۲٪ معلمان اظهار داشته‌اند که از روش ترکیبی در تدریس استفاده می‌کنند که این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده نیاز به تقویت توانمندی معلمان در ترکیب مؤثر روش‌های مختلف تدریس متناسب با اهداف یادگیری و تفاوت‌های فردی شاگردان باشد.

به طور کلی، نتایج جدول حاکی از این واقعیت است که در ولایات ارزیابی شده، مکاتب بطور نسبی از روش های فعال و شاگرد محور در تدریس استفاده می کنند. اما همچنان ضرورت است که با تطبیق برنامه های آموزشی هدفمند، میان روش های تدریس و به ویژه استفاده از روش های ترکیبی و تعاملی در این مکاتب، توازن بیشتر ایجاد گردد.

مناسب ترین روش تدریس مضمون زبان در صنف نهم، استفاده از روش ترکیبی از سه روش فوق است که در آن، ارائه کوتاه معلم با فعالیت های شاگرد محور و سوال و جواب هدفمند ترکیب می گردد تا یادگیری مفهومی، مهارتی و حل مسئله به صورت متوازن تقویت شود.

جدول (۱۱) تأثیر روش های تدریس معلم بر یادگیری

روش های تدریس معلم	
شاگرد محور	٪ ۳۲
سخنرانی	٪ ۳۵
سوال و جواب	٪ ۱۳
روش ترکیبی	٪ ۲۰
مجموعاً	۱۰۰.۰

۷.۸ بررسی تفاوت ها در سطح یادگیری مضمون زبان بین ولایات و عوامل مؤثر بر آن:

با توجه به تفاوت های معنادار بین نمرات شاگردان ولایات و بر اساس نظرات مسئولین مکاتب که در مصاحبه ها جمع آوری شده، عوامل زیر به عنوان دلایل کلیدی این تفاوت ها شناسایی شده اند:

جدول (۱۲) دلایل یا عوامل احتمالی پایین بودن سطح یادگیری بین ولایات

شماره	ولایات	نمره کسب شده در مضمون زبان	دلایل یا عوامل احتمالی و خاص پایین بودن سطح یادگیری
۱	هرات	۴۸,۴۸	۱. تعداد زیاد شاگردان در صنف، ۲. زیاد بودن ساعات درسی معلمان،
۲	ولایت کابل	۴۳,۹۷	۱. تعداد زیاد شاگردان در صنف، ۲. زیاد بودن ساعات درسی معلمان، ۳. محدودیت برخی امکانات فیزیکی،
۳	شهرکابل	۴۳,۴۹	۱. استفاده بیشتر از روش سوال و جواب و سخنرانی، ۲. تعداد زیاد شاگردان در صنف، ۳. زیاد بودن ساعات درسی معلمان، ۴. ساعات تدریسی زیاد معلم
۴	غزنی	۴۱,۹۷	۱. پایین بودن فیصدی معلمان ۱۴ پاس، ۲. موجودیت معلمان دوازده پاس در برخی مکاتب، ۳. زیاد بودن شاگردان در صنف، ۴. محدودیت فضای تعلیمی،
۵	بلخ	۳۹,۷۴	۱. زیاد بودن شاگردان در صنف، ۲. انگیزه پایین تر شاگردان،

۳. استفاده محدود از روش های فعال تدریس (بیشتر سخنرانی)			
۱. فیصدی پایین معلمان لیسانس، ۲. ضعف در تطبیق پلان درسی، ۳. حمایت مدیریتی محدود، ۴. استفاده بیشتر از روش سخنرانی،	۳۸	بامیان	۶
۱. تعداد زیاد شاگردان در صنف، ۲. فیصدی بالای تدریس خلاف رشته، ۳. فیصدی زیاد معلمان دارای درجه تحصیل پایین،	۳۷,۴۷	سمنگان	۷
۱. فیصدی بالای تدریس خلاف رشته، ۲. مشارکت ضعیف والدین، ۳. استفاده بیشتر از روش معلم محور و سخنرانی، ۴. تعداد زیاد شاگردان در صنف، ۵. زیاد بودن ساعات درسی معلمان،	۳۶,۶۵	پنجشیر	۸
۱. فیصدی پایین سطح تحصیل معلمان نسبت به سایر ولایات، ۲. فیصدی پایین تجربه بخشی از معلمان، ۳. فیصدی پایین تطبیق پلان درسی، ۴. فیصدی پایین درک بخشی از معلمان از اهداف نصاب، ۵. نامناسب بودن فضای تعلیمی مکاتب، ۶. استفاده بیشتر از روش معلم محور و سخنرانی،	۳۱,۰۲	بغلان	۹

۷.۹ نتیجه گیری کلی و توصیه تحلیلی:

نتایج کلی ارزیابی سطح یادگیری مضمون زبان نشان می دهد که با وجود تفاوت های نسبی میان ولایات، بغیر از ولایت های هرات، کابل، شهر کابل و غزنی سایر ولایات کمتر از ۴۰٪ نمره کسب کرده اند که بیانگر ضعف عمومی و ساختاری در کیفیت آموزش زبان در این ولایات است.

مهم ترین عامل تفاوت میان ولایات، میزان تدریس خلاف رشته، وجود معلمان با تحصیلات پایین تر از ۱۴ و تراکم زیاد شاگردان در صنف بوده است.

عملکرد مکاتب خصوصی و دولتی و نیز نابرابری شدید بین ولایات، نشان دهنده عدم توزیع عادلانه منابع و کیفیت نیروی بشری در نظام تعلیمی است. برای ارتقای سطح یادگیری، عملی ساختن توصیه های ذیل ضروری است:

۱. آوردن تغییر و تحول در روش های تدریس از حافظه محوری به سوی روش های فعال، تحلیلی و مسأله محور.
۲. متمرکز ساختن برنامه های درسی و آموزشی بر تقویت سطوح بالای حیطه شناختی (کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزیابی).
۳. سرمایه گذاری در بخش توانمندسازی و تربیت مسلکی معلمان، به ویژه در ولایات محروم.
۴. تأمین توازن و عدالت در عرضه خدمات تعلیمی از طریق توزیع عادلانه تر منابع و تجهیزات، توظیف معلمان مسلکی و مجرب و تخصیص متوازن امکانات لازم به تمام مناطق.

۸. تحلیل و تفسیر نتایج

۸.۱. اوسط مجموعی نمره زبان

اوسط مجموعی نمره شاگردان در این ارزیابی، (۴۰.۹۹) یا تقریباً ۴۱ از ۱۰۰ محاسبه گردیده است. توزیع شاگردان براساس سطوح عملکرد به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول (۱۳) سطح عملکرد زبان شاگردان

سطح عملکرد	محدوده نمره	تعداد شاگردان	فیصدی
پایین تر از حد مطلوب	۰-۳۹	۱۶۸۰	۴۹٪
نزدیک به حد مطلوب	۴۰-۴۹	۶۲۰	۱۸٪
برابر با حد مطلوب	۵۰-۶۹	۷۸۰	۲۳٪
بالتر از حد مطلوب	۷۰+	۳۳۵	۱۰٪

طوری که دیده می شود، تمرکز اصلی نمرات در محدوده ۰ تا ۳۹ قرار دارد که نشان میدهد ۴۹٪ شاگردان در این سطح قرار دارند. ۱۸٪ شاگردان از ۴۰ تا ۴۹ نمره کسب کرده اند که میزان کمی محسوب می شود. ۲۳٪ شاگردان برابر با حد مطلوب نمره کسب نموده اند که این میزان هم نسبتاً کم است.

در نهایت، ۱۰٪ شاگردان توانسته اند نمره بالاتر از ۷۰ کسب نمایند که این میزان بسیار کم است.

از نتایج بدست آمده اینگونه استنباط می گردد که :

- بخش قابل توجهی از شاگردان در سطح یادگیری ضعیف قرار دارند (نمرات پایین تر از حد کامیابی)، که بیانگر ضعف در درک مفاهیم اساسی مضمون می باشد.
- بخش نسبتاً زیاد از شاگردان در سطح یادگیری نسبتاً خوب و خوب متمرکز اند؛ این گروه اگرچه بخشی از اهداف آموزشی را تحقق بخشیده اند، اما به سطح تسلط مطلوب نرسیده اند.
- و تنها فیصد اندکی به سطح یادگیری عالی دست یافته اند.

در مجموع، نتایج این تحلیل نشان می دهد که وضعیت یادگیری شاگردان صنف نهم در مضمون زبان نیازمند توجه جدی و اتخاذ تدابیر اصلاحی هدفمند است.

در این راستا، پیشنهاد می شود که اجرای برنامه های تقویتی برای شاگردان دارای عملکرد ضعیف و متوسط در اولویت قرار گیرد. مواد و محتوای درسی اصلاح و بهبود داده شوند، روش های تدریس بازنگری و ظرفیت مسلکی معلمان ارتقاء یابد.

۸.۲ تحلیل پاسخ ها براساس محتوا

بر اساس اوسط فیصدی پاسخ های صحیح، سطح یادگیری شاگردان در موضوعات مختلف مضمون زبان متفاوت ارزیابی می گردد و نشان دهنده قوت ها و ضعف های مشخص در محتوای درسی است.

بیشترین میزان پاسخ‌های صحیح مربوط به معرفی نویسنده گان و شاعران با ۳۲٪ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که شاگردان در این موضوعات از درک نسبتاً بهتری برخوردارند که می‌تواند ناشی از تمرین بیشتر و تأکید معلمان بر این بخش باشد.

نتایج مربوط به ضرب المثل‌ها (۲۸٪) در سطح متوسط قرار دارد که نشان می‌دهد شاگردان در این موضوعات درک نسبی دارند، اما هنوز به سطح مطلوب یادگیری نرسیده‌اند.

همچنین، میزان پاسخ‌های صحیح مربوط به موضوعات دستور زبان با ۲۲٪ از جمله موضوعات چالش‌برانگیز برای شاگردان محسوب می‌شود که معمولاً نیازمند درک عمیق‌تر مفاهیم و تمرین‌های هدفمند است.

در مقابل، درک مطلب و پاسخ به سوال‌ها با ۱۲٪ پاسخ صحیح و نامه نویسی با ۶٪ کمترین اوسط را به خود اختصاص داده است. این امر نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در درک و به‌کارگیری مفاهیم زبان در موقعیت‌های تحلیلی و مسئله‌محور بوده و بیانگر فاصله میان یادگیری مفهومی و کاربرد عملی دانش زبان است.

به‌طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که هرچند شاگردان در مفاهیم پایه‌ای زبان عملکرد بهتری دارند، اما در مهارت‌های سطح بالاتر به‌ویژه در دستور زبان، درک مطلب و نامه نویسی، شدیداً ضعف دارند. این نتایج ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، تقویت آموزش مفهومی و افزایش تمرین‌های عملی و تحلیلی را برجسته می‌سازد.

اوسط فیصدی پاسخ‌های صحیح شاگردان در ارزیابی مضمون زبان صنف نهم براساس موضوعات مختلف در جدول ذیل آورده شده است.

جدول (۱۴) اوسط پاسخ‌های صحیح به تفکیک موضوعات درس زبان صنف نهم

موضوع محتوایی مضمون زبان	اوسط فیصدی پاسخ‌های صحیح
معرفی نویسندگان و شاعران	۳۲٪
ضرب‌المثل‌ها	۲۸٪
دستور زبان (گرامر)	۲۲٪
درک مطلب و پاسخ به سوالات	۱۲٪
نامه نویسی	۶٪

۸.۳ تحلیل و مقایسه عملکرد شاگردان براساس ولایت

بر اساس معلومات جدول (۱۵)، اوسط نمرات شاگردان در ولایات مختلف تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد که بیانگر نابرابری‌های آموزشی و تفاوت در سطح یادگیری شاگردان می‌باشد.

بالاترین نمره اوسط مربوط به ولایت هرات با (۴۸.۴۸) نمره است که نشان‌دهنده عملکرد نسبتاً بهتر شاگردان این ولایت در مقایسه با سایر ولایات می‌باشد. پس از آن، ولایت کابل با (۴۳.۹۷) نمره، ولایت بامیان با (۴۳.۴۹) نمره و ولایت غزنی با (۴۱.۹۷) نمره در رده‌های بعدی قرار دارند که بیانگر وضعیت متوسط رو به بالای یادگیری شاگردان در این ولایات است.

در مقابل، ولایت بلخ با (۳۹.۷۴) نمره، شهر کابل با (۳۸) نمره، ولایت بغلان با (۳۷.۴۷) نمره، ولایت پنجشیر با (۳۶.۶۴) نمره و ولایت سمنگان با (۳۱.۰۲) نمره به ترتیب پایین‌ترین اوسط نمرات را کسب نموده اند که حاکی از ضعف جدی شاگردان این ولایات در یادگیری مضمون زبان صنف نهم می‌باشد.

به طور کلی، محدوده تغییرات در اوسط نمرات از (۴۸.۴۸) نمره تا (۳۱.۰۲) نمره بیانگر تفاوت‌های تعلیمی نسبتاً معنادار میان این ولایات است. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از عواملی چون کیفیت تدریس، دسترسی به امکانات آموزشی، کمیت و کیفیت منابع، ازدحام شاگردان و شرایط اجتماعی - اقتصادی باشد. نتایج به‌دست‌آمده ضرورت تدابیر مشخص و فوری، برنامه‌های حمایتی و توزیع عادلانه‌تر منابع آموزشی را به‌ویژه در ولایات با میانگین نمرات پایین برجسته می‌سازد.

جدول (۱۵) اوسط نمرات زبان شاگردان پراساس ولایت

شماره	ولایت	اوسط نمره
۱	هرات	۴۸,۴۸
۲	ولایت کابل	۴۳,۹۷
۳	بامیان	۴۳,۴۹
۴	غزنی	۴۱,۹۷
۵	بلخ	۳۹,۷۴
۶	شهر کابل	۳۸
۷	بغلان	۳۷,۴۸
۸	پنجشیر	۳۶,۶۵
۹	سمنگان	۳۱,۰۲

۸.۴ مقایسه سطح یادگیری بین مکاتب امارتی و خصوصی در مضمون زبان صنف نهم

طوری که در جدول (۱۶) دیده می‌شود؛ حد اوسط نمره شاگردان مکاتب خصوصی در مضمون زبان ۴۹.۷۱ و اوسط نمره شاگردان مکاتب امارتی ۳۲.۲۷ به دست آمده که اوسط نمره شاگردان مکاتب خصوصی نسبت به مکاتب امارتی تقریباً ۵۴٪ بیشتر است.

جدول (۱۶) مقایسه بین مکاتب امارتی و خصوصی

زبان	
اوسط نمره	نوعیت مکتب
۳۲.۲۷	امارتی
۴۹.۷۱	خصوصی

۸.۵ تحلیل سطوح شناختی شاگردان

بررسی فیصدی پاسخ‌های صحیح در سطوح مختلف شناختی نشان می‌دهد که عملکرد شاگردان به صورت تدریجی از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر شناختی کاهش یافته است؛ الگویی که بیانگر غلبه یادگیری سطحی بر یادگیری عمیق می‌باشد.

در سطح یادآوری، شاگردان با ۴۰٪ پاسخ صحیح، بهترین عملکرد را داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که شاگردان در به‌خاطر سپردن معلومات، تعاریف و قواعد اساسی تا حد قابل قبولی موفق بوده‌اند.

در سطح درک مفاهیم، فیصدی پاسخ صحیح به ۳۸٪ کاهش یافته است که بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از شاگردان در تفسیر، توضیح و فهم مفاهیم درسی با دشواری مواجه‌اند و یادگیری آن‌ها عمدتاً بالاتر از حفظ مطالب شکل نگرفته است.

در سطح کاربرد، میزان پاسخ صحیح با ۱۳٪، کاهش بیشتر را نشان می‌دهد. این امر بیانگر ضعف شاگردان در به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و مسائل عملی می‌باشد و نشان می‌دهد که میان دانش نظری شاگردان و استفاده عملی از آن در موقعیت‌های مختلف فاصله وجود دارد.

کمترین میزان پاسخ صحیح مربوط به سطح استدلال و حل مسئله با ۹٪ است. این یافته نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در مهارت‌های تفکر سطح بالا، تحلیل، استنتاج و حل مسائل پیچیده می‌باشد که از مهم‌ترین اهداف آموزش معاصر به‌شمار می‌رود.

به‌طور کلی، نتایج این جدول نشان می‌دهد که تمرکز آموزشی بیشتر بر سطوح پایین شناختی بوده و مهارت‌های تفکر عالی به اندازه کافی تقویت نشده است. این وضعیت ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، طراحی سؤالات ارزیابی متوازن و تأکید بیشتر بر فعالیت‌های تحلیلی، کاربردی و مسئله‌محور را برجسته می‌سازد.

جدول (۱۷) نمره سطوح شناختی شاگردان

سطوح شناختی	فیصدی پاسخ صحیح
یادآوری	۴۰٪
درک مفاهیم	۳۸٪
کاربرد	۱۳٪
استدلال و حل مسئله	۹٪

۹. تفسیر نتایج

تفسیر کلی و نهایی نتایج ارزیابی این است که سطح کلی یادگیری شاگردان صنف نهم در مضمون (زبان) در حد مطلوب و رضایت‌بخش نیست. اوسط نمرات در تمام مضمون ۴۱ است که بیانگر ضعف عمیق در یادگیری بوده و حاکی از آن است که تدریس، عمدتاً بر حفظیات و تکرار متمرکز بوده و مهارت‌های استدلال، تحلیل و حل مسأله به اندازه کافی پرورش نیافته‌اند. همچنین، تدریس و یادگیری عمدتاً در سطوح اول و دوم حیطه شناختی (یادآوری و درک ابتدایی) محدود بوده و سطوح بالاتر مانند کاربرد، تحلیل ضعیف بوده‌اند.

۹.۱ نتایج و یافته‌ها

خلاصه نتایج و یافته‌های این ارزیابی قرار ذیل ارائه می‌گردد:

۱. سطح کلی یادگیری شاگردان صنف نهم در ۹ ولایت ارزیابی شده، در مضمون زبان پایین‌تر از حد مطلوب ارزیابی گردیده است.
۲. تفاوت‌های معنادار در سطح یادگیری شاگردان میان ولایات متذکره مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده نابرابری‌های تعلیمی است.
۳. تمرکز تدریس و یادگیری بیشتر بر سطوح پایین حیطه شناختی بوده و مهارت‌های کاربرد، تحلیل و حل مسأله به اندازه کافی تقویت نشده‌اند.
۴. شرایط تحصیلی معلمان، از جمله حضور معلمان با درجه تحصیلی دوازده پاس در برخی مکاتب، بر کیفیت تدریس و سطح یادگیری شاگردان تأثیر منفی داشته است.
۵. تطابق رشته تحصیلی معلمان با مضمون زبان در بسیاری موارد کامل نبوده و تدریس خلاف‌رشته مشاهده گردیده است.
۶. عوامل تدریسی و مدیریتی، به‌ویژه درک معلم از اهداف نصاب و میزان همکاری مدیر مکتب با معلمان، بر کیفیت تدریس تأثیر مستقیم داشته‌اند.
۷. از نظر معلمان و مدیران مکاتب ارزیابی شده، وجود مشکلات عمده چون: ازدحام بیش از حد شاگردان در صنف و فشار کاری زیاد بر معلمان بیشترین تأثیر را بر تدریس و یادگیری داشته است.
۸. استفاده گسترده از روش تدریس معلم‌محور و سخنرانی، یکی از عوامل اساسی ضعف یادگیری شاگردان محسوب می‌شود.

۱۰. پیشنهادات

اینک، متناسب به ویژگی های هر یافته، پیشنهادات عملی ذیل طور جداگانه ارائه می گردد:

۱. برای رسیدگی به پایین بودن سطح کلی یادگیری شاگردان در ولایات ارزیابی شده اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:

- تدویر «کورس های جبرانی و تقویتی» برای شاگردانی که زیر حد مطلوب قرار دارند؛ با تمرکز بر آموزش دانش و مفاهیم اساسی مضمون زبان.
- تحلیل نتایج ارزیابی با تمرکز بر کمیت و کیفیت سئوالات برای شناسایی دقیق ضعف های مفهومی.
- توجه جدی معلمان بر انجام کارخانگی از سوی شاگردان و تمرین عملی بیشتر در صنف.

۲. برای کاهش دادن نابرابری و تفاوت ها در یادگیری میان ولایات، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:

- تخصیص بودجه و تجهیزات بیشتر برای ولایاتی که اوسط پایین تر دارند.
- اعزام تیم های انکشاف مسلکی برای آموزش معلمان ولایاتی که عملکرد ضعیف داشته اند.
- طرح و تطبیق برنامه های بهبود کیفیت برای ولایات بادر نظر داشت عوامل مربوطه.
- راه اندازی برنامه های تبادل تجارب موفق بین ولایات

۳. برای تقویت مهارت های شاگردان در کاربرد، تحلیل و ایجاد، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:

- آموزش معلمان در زمینه نحوه سئوال سازی معیاری و ارزیابی مهارت های مختلف یادگیری شاگردان در صنف.
- الزامی ساختن استفاده از حداقل ۴۰٪ سئوالات کاربردی و تحلیلی در ارزیابی های صنفی در ولایات.
- شریک سازی بانک سئوالات معیاری با مکاتب ولایات
- ترویج و آموزش استفاده از روش های تدریس مبتنی بر تحلیل، کاربرد و ایجاد در تدریس مضمون زبان در مکاتب.

۴. برای رسیدگی به مشکل حضور معلمان با درجه تحصیلی دوازده پاس در برخی مکاتب، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:

- راه اندازی برنامه های ارتقای ظرفیت برای معلمان دوازده پاس مکاتب ارزیابی شده طور عاجل.
- فراهم سازی زمینه ادامه تحصیل برای معلمان دوازده پاس و چهارده پاس از طریق اعطای مشوق ها و امتیازات.
- مرتبط ساختن ارزیابی عملکرد معلمان به میزان یادگیری شاگردان.

۵. برای کاهش دادن فیصدی تدریس خلاف رشته در برخی مکاتب ولایات ارزیابی شده، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:

- کنترل دقیق و جلوگیری از استخدام معلمان خلاف رشته در سطح ولایات بخصوص برای مضمون زبان.
- برگزاری کورس های کوتاه مدت آموزش مضمونی برای معلمان خلاف رشته موجود و بر حال مکاتب ارزیابی شده.
- استفاده از سیستم مدیریت معلومات معلمان و شاگردان برای تشخیص خلاف رشته و پلانگذاری بهتر توزیع معلمان بخصوص بر اساس نیاز رشتوی مکاتب ولایات.

۶. برای تقویت عوامل تدریسی مؤثر بر یادگیری بهتر شاگردان، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- تدویر ورکشاپ های منظم آموزشی برای معلمان در زمینه معرفی اهداف نصاب و تحلیل شاخص های یادگیری
- تدویر برنامه های آموزشی منظم برای مدیران مکاتب در زمینه مدیریت و رهبری آموزشی مکاتب.
- راه اندازی نظارت های تعلیمی منظم و دوامدار بخصوص از مکاتب محروم با عملکرد ضعیف جهت حل مشکلات.
- راه اندازی جلسات منظم تحلیل وضعیت یادگیری شاگردان در سطح مکاتب از طرف مسئولین مکاتب و مردم محل.

۷. برای رسیدگی به مشکل ازدحام صنوف درسی، فشار کاری بر معلمان و کمبود تجهیزات، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- کاهش ازدحام در صنوف از طریق اتخاذ اقدامات رسمی و جلب حمایت مسئولین ذیصلاح به سطح ولایت و مرکز وزارت در زمینه توزیع بست های بیشتر، ایجاد شعبات اضافی و یا ایجاد نهادهای جدید تعلیمی.
- هماهنگی با ادارات و مسئولین ذیصلاح در مرکز ولایت و مرکز وزارت جهت رسیدگی به مشکلات مکاتب.

۸. برای ترویج استفاده از روش های شاگرد محور در مکاتب، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- تدویر ورکشاپ آموزشی برای معلمان در زمینه روش های شاگرد محور مانند یادگیری مشارکتی، کارگروهی و حل مسأله.
- تهیه و شریک سازی الگوهای درسی نمونه برای تدریس مضمون زبان.

۹. برای تطبیق مؤثر یافته های این ارزیابی، سرانجام سفارش می شود که اقدامات پیشنهادی فوق در قالب یک طرح بهبود سه ساله کیفیت تدریس زبان صنف نهم در ولایات تهیه و جهت منظوری و شمولیت در پلان عملیاتی سال های آینده به رهبری وزارت معارف پیشکش گردد.

سوالات مضمون دری گروپ الف

سوالات صحیح و غلط: در مقابل جملات درست حرف (ص) و در مقابل جملات غلط حرف (ع) بنویسید. (8) نمره

سوال ۱- علمی که از آیین جمله بندی و ترکیب کلمه ها با همدیگر بحث می کند بنام علم منطق یاد می گردد. ()

سوال ۲- جمله فعلی آن است که مرکب از فعل، قائل و مفعول باشد. ()

سوالات خانه خالی: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر نمایید. (18) نمره

سوال ۳- شعر تعلیمی به شعری گفته می شود که در آن هدف شاعر است .

سوال ۴- اسم معرفه آنست که نزد شنونده یا مخاطب باشد.

سوال ۵- جمله مجموعه از کلمه هاست که دارای معنای باشد.

سوالات چند گزینه ای (36) نمره

سوال ۶- در متن «عقل گفت: گشاینده در فهم، زداينده رنگ و وهم، پابسته تکلیفات، شایسته تشریفات، گلزار خردمندانم،

اقزار هنرمندانم» کدام نوع نثر به کار رفته است. الف: نثر مرسل یا ساده

ب: نثر مسجع ج: نثر میانه د: نثر جدید

سوال ۷- جمله «ای کاش درس می خواندم!» بیان کننده کدام نوع جمله می باشد؟

الف: جمله خبری ب: جمله تفسیر ج: جمله تعنایی د: جمله ساده یا بسیط

سوال ۸- کدام یک از لقب های زیر به ناصر خسرو نسبت داده می شود.

الف: امیر خراسان ب: حاکم خراسان ج: والی خراسان د: حجت خراسان

سوال ۹- کدام یک از کلمه های ذیل مربوط به وند ها نمی باشد:

الف: پیشینه ها ب: میانوندها ج: پسوندها د: پیشوندها

سوال ۱۰- سنایی غزنوی یکی از شاعران سرزمین ما در یکی از قرن های هجری قمری زیر در شهر غزنی به دنیا آمده است :

الف: پنجم ب: ششم ج: هفتم د: هشتم

سوال ۱۱- مفهوم شعر «نایرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کارگرد» در کدام یک از گزینه

های زیر درست بیان گردیده است:

الف: کسانی که در زندگی آرامش دارند با مشکلات مقابل نشده اند.

ب: انسان ها برای رسیدن به موفقیت باید متکی به دیگران باشد.

ج: موفقیت نیازمند تلاش و کوشش بیشتر است.

د: انسان ها بدون تلاش و کار کردن هم می تواند به آرامش برسند.

سوال وصل گردنی (8) نمره

سوال ۱۲- لغت های زیر را با معنای آن وصل کنید:

1- ثابت الف - جنگ و جدل

2- تحقیق ب - مرکز

3- طراوت ج - خوشی

4- کانون د - تازه گی، بشاش

5- نزاع ه - استوار یا برجا

و - رسیدن به حقیقت

توانایی درک مطلب، خواندن و نوشتن

سوال 13- با توجه به محتوای داستان یا سوالاتی که در ختم داستان می آید پاسخ دهید. (10 نمره)

روایت است که حضرت عیسی علیه السلام با یک مرد راهی سفر گردید، هر دو سه قرص نان داشتند. وقتی کناری جویی رسیدند آن حضرت مصروف عبادت شد و مرد همراهش یک قرص نان را پنهان کرد. حضرت عیسی علیه السلام پرسید نان را کی گرفت؟ آن مرد گفت نمی دانم. به جای رسیدند که ریگ بسیار بود آن حضرت مقدار ریگ را جمع کرد و گفت به فرمان خدا جل علی الشانه طلا گردد، همه ریگ ها طلا گردید. آن حضرت طلاها را به سه قسمت تقسیم کرد و گفت یک قسمت مال من، یک قسمت مال تو و قسمت سوم مال کسی که قرص نان را گرفته است. آن مرد که حرص زیاد داشت گفت نان را من گرفتم، آن حضرت گفت همه طلاها مال تو باشد و از آن جدا شد. اما دو مرد دیگری از راه رسیدند و می خواستند وی را بکشند و طلاها را با خود ببرند. آن مرد گفت مرا نکشید و طلاها را با هم تقسیم می کنیم، آن ها طلاها را تقسیم کردند. هر سه گرسنه بودند، و گفتند یکی باید از بازار نان آورد. آن مرد رفت که از بازار نان آورد، در مسیر راه غذاها را مسموم کرد تا دو نفر دیگر را بکشد و تمام طلاها را به خود گیرد، اما دو نفر دیگر هم تصمیم گرفتند تا او را بکشند و طلاها را با خود گیرند. سرانجام آن مرد کشته شد. و دو مرد دیگر با خوردن غذای مسموم شده از بین رفتند و طلاها بدون صاحب ماند.

1- حضرت عیسی علیه السلام قسمت سوم طلاها را به چی کسی اختصاص داد؟

الف: به مرد فقیری که نیازمند بود ب: به کسی که قرص نان را گرفته بود.

ج: باهمدیگر تقسیم کردند. د: برای دو مرد دیگر که از راه پیدا شد.

2- نظر به متن داستان سرنوشت آن مرد چی شد؟

الف: صاحب سرمایه زیاد گردید و تجارت را شروع کرد. ب: توسط دو مرد دیگر کشته شد.

ج: دو مرد دیگر را کشت و زرها را با خود برد. د: زرها را به حضرت عیسی داد و از کرده خود پشیمان شد.

3- پیام داستان فوق را به صورت خلاصه در دو سطر توضیح دهی

سوال 14- شعر زیر را به نثر تبدیل نمایید. (10 نمره)

خدایی که در خرگه آسمان زمین آفرید و مه و کهکشان

سوال 15- یک نامه برای دوست خود بنویسید که کمتر از ۴۰ کلمه نباشد و فعل حال، گذشته و آینده در آن به کار رفته باشد. (10 نمره)

سوالات مضمون دری ب

سوالات صحیح و غلط در مقابل گزینه درست حرف (ص) و در مقابل گزینه غلط حرف (غ) را بنویسید. (8 نمره)

سوال ۱- جمله عاطفی آنست که در آن مفهوم دستور، توصیه و نهی وجود داشته باشد.

سوال ۲- جمله تمنایی آنست که بیان آرزو در مورد کسی یا چیزی باشد.

سوالات خانه خالی: جای خالی جمله های زیر را یا کلمه های مناسب تکمیل کنید. (18 نمره)

سوال ۳- قولکلو کلمه آلمانی بوده که در زبان دری به معنای گفته می شود.

سوال ۴- ضمیر کلمه است که جانشین می گردد تا از تکرار آن در جمله جلوگیری کند.

سوال ۵- در زبان دری هر فعل دارای است.

سوالات چند گزینه ای: (36 نمره)

سوال ۶- در متن زیر کدام نوع نثر به کار رفته است؟

اتفاقاً در یکی از روزها به گفته شاعر: «ایر و یاد و مه خورشید و قلک» دست به دست هم داده بودند، تا «نوقیق» مهاجر کایلی را اذیت نکنند.

الف: نثر مرسل یا ساده ب: نثر مسجع ج: نثر میانه د: نثر جدید

سوال ۷- کتاب ها را باز کنید، کدام نوع جمله می باشد؟

الف: جمله خبری ب: جمله امری ج: جمله تمنایی د: جمله ساده یا بسیط

سوال ۸- کدام یک از اثر های زیر از ناصر خسرو یلخی است:

الف: مناجات نامه ب: گنج نامه ج: سفرنامه د: پند نامه

سوال ۹- فعل از نظر زمان در زبان دری به کدام یک انواع زیر است: الف: سه نوع ب: دو نوع ج: پنج نوع د: شش نوع

سوال ۱۰- مفهوم شعر در کدام یک از گزینه های زیر درست بیان گردیده است.

نایرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کارکرد

الف: کسانی که در زندگی آرامش دارند یا مشکلات مقابله نکرده اند

ب: انسان ها برای رسیدن به موفقیت باید متکی به دیگران باشد

ج: موفقیت نیازمند تلاش و کوشش بیشتر است.

د: انسان ها بدون تلاش و کار کردن هم می توانند به آرامش برسند.

سوال ۱۱- علامت های گامه (،) نقطه (.) شارحه (:): ندایه (!) و سوالیه (?) را در متن زیر به کار ببرید.

دوستان عزیز آیا شما امروز به کتابخانه رفتید من دیروز کتابخانه رفتم کتاب های زیادی را دیدم و چند جلد کتاب برای مطالعه انتخاب کردم واقعاً مطالعه

بهترین راه پیشرفت است

سوالات وصل گردنی (8) نمره

سوال ۱۲ - لغت های زیر را با معنی مربوط آن وصل نمایید.

- | | |
|----------------|----------|
| الف - میراث | 1- آذین |
| ب - خیکویی | 2- آسیب |
| ج - میراث | 3- احسان |
| د - ضرر، خساره | 4- ارت |
| و - زیب، زیت | |

توانایی درک مطلب، خواندن و نوشتن

سوال 13- با توجه به محتوای داستان یا سولاتی که در ختم داستان می آید جواب دهید. (10) نمره

روزی مردی فقیری نان خشک می خورد و خوش بود. یک روزی در جنگل کیسه از طلا پیدا کرد و خیلی خوشحال شد. اما فردا گفت: «چرا یک کیسه دگر؟ باید بیشتر پیدا کنجا» هر روز به جنگل می رفت و دنبال طلا می گشت. دیگر نه کار می کرد و نه آرام بود. یک روز خزانه پر از سکه دید. ناگهان ماری بزرگ بر آمد و او را گزید مرد فریاد زد: «ای کاش همان نان خشک می خوردجا» مرد به مردم گفت: حرص مانند مار است؛ هر که به او جا بدهد سرانجام او را می کشد.

1- در کدام یک از گزینه های زیر پیام داستان خوب بیان گردیده است:

الف: حرص باعث سعادت و خوشبختی انسان می گردد.

ب: حرص مانند مار است، اگر به آن ارزش بدهی سبب هلاکت می گردد.

ج: حرص مانند خزانه پنهان می باشد باید آن را جستجو کرد.

د: انسان های حرصی صاحب ثروت و خزانه است.

2- مرد هر روز به کجا می رفت؟ الف: کوچه ب: بازار ج: شهر د: جنگل

3- مرد در جنگل به دنبال چه می گشت؟ الف: کار ب: طلا ج: هیزم د: تفریح

4- مرد به وسیله چه از بین رفت؟ الف: مار ب: شیر ج: پلنگ د: گرگ

پیام داستان فوق را توضیح دهید

سوالات تشریحی (20) نمره

سوال ۱۴- شعر زیر را به تتر تبدیل نمایید. (10) نمره

ای که دست می رسد کاری یکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

سوال ۱۵ - یک نامه برای پدر بتوسید که کمتر از ۴۰ کلمه نباشد و فعل حال، گذشته و آینده در آن به کار رفته باشد.